

ابراز انزجار جهانیان از اعدام زندانیان سیاسی ایران



دوشنبه ۲۹ مهر ۱۳۶۴ برابر ۲۱ اکتبر ۱۹۸۵
 شماره دوم - سال دوم - شماره ۷۹

- * حزب کمونیست هلند - ایالت آمستردام
- * سازمان جوانان کمونیست شیلی - هلند
- * سازمان جوانان کرد در اروپا
- * کمیته هلند، برای امنیت و همکاری در اروپا
- * حزب سوسیالیست شیلی - هلند
- * حزب سوسیالیست کارگری ترکیه - هلند
- * سازمان کارگران ترک در هلند
- * کمیته شیلی
- * سازمان دانشجویان و جوانان عراق - هلند
- * کمیته ضد فاشیستی ایمنوند - نورد
- * سازمان حزب کمونیست عراق در هلند

بقیه در صفحه ۸

موج نیرومند ابراز انزجار نیروها، پیشرو جهان از جنایات رژیم خمینی در مورد زندانیان سیاسی ایران دم افزون است. اعتراض نسبت به توطئه‌های جنایتکارانه و ابراز تفسیر و خشم نسبت به اعدام‌های انجام یافته گسترش می‌یابد؛ هلند

بازده حزب و سازمان انقلابی طی نامه‌ای به سفارت جمهوری اسلامی در هلند، خواهان رعایت کنوانسیون بین‌المللی درباره حقوق زندانیان سیاسی و لغو حکم اعدام فدائیان اسیر شده اند. اسامی این احزاب و سازمانها عبارتند از:

بحران اقتصادی و "استراتژی نوین جنگی"

ارزی، رژیم، امر تحصیل ارز نیز دچار مشکلات و دشواریها، بزرگی گشته است. هواپیماهای عراق، در هفته‌های اخیر، تقریباً همه روزه بر آسمان خاخرک ظاهر شده و این پایانه نفتی حساس کشور را بمباران کرده‌اند. کارشناسان بین‌المللی بر این اعتقادند که از چهارده اسکله نفتی این ترمینال، ۱۱ اسکله دچار آسیب و خسارت گشته است. میزان خسارات وارده بر این پایانه نفتی، در ناحیه شرقی آن سنگین تر بوده و اسکله تی شکل (T) تقریباً به کلی منهدم شده است. بمباران مکرر و مداوم جزیره خاخرک، صادرات نفتی کشور را با اختلال جدی مواجه ساخته است. امر صادرات نفت از این جزیره، بر ای مدتی بحالت تعطیل در آمد. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که رژیم خمینی پس از این قادر نخواهد بود که مقادیر هنگفتی نفت از طریق این جزیره صادر نماید. بقیه در صفحه ۲

صادرات و فروش نفت یکنانه راه تامین ارز جمهوری، اسلامی است. در واقع جمهوری، اسلامی تنها با تحصیل ارز است که قادر می‌باشد ماشین جنگی سیری ناپذیر خود را تغذیه نماید و به تامین نیازهای اقتصادی و مصرفی کشور بپردازد. جنگ افزوزان جمهوری، اسلامی شدیداً محتاج آنند تا با صادرات نفت، کلان کلان سلاح و ساز و برگ جنگی خریداری نمایند. درآمد عظیم نفتی اواخر سال ۶۱، سال ۶۲ که واردات ۲۲ میلیارد دلاری را در پی داشت، به وضوح نشان می‌دهد که جمهوری، اسلامی برای رفع نیازهای خود محتاج تحصیل ارز کلانی است. کل میزان صادرات غیر نفتی جمهوری، اسلامی، به دور از تمامی تبلیغات و جار و جنجالها، دولتی، به سختی قادر است که نیازهای ارزی جمهوری، اسلامی را برای بیش از ۱۰ روز برآورده سازد. به موازات افزایش نیازهای

سپرده هراس

تفاهات ۶۱/۶ درصد نمایندگان به فتوای خمینی مبنی بر تداوم عمر دولت موسوی تمکین کردند و بقیه از این فتوا سرپیچیدند. این گونه سرپیچی آشکار از امر "اولی الامر" بدعتی است که باید بر وی خیلی کران باشد و وقتی بدین شدت صراحت یافت به سرعت دامنه خواهد گرفت. به قول یک نماینده مجلس متولی‌ها حرمت امامزاده را نگه‌داشته‌اند و حال که حرمت ولی فقیه این‌سان شکسته است، دیگر هیچ معجزه‌ای قادر نخواهد بود جبروت سابق وی را احیا کند.

بی ادبی متولی‌ها برای خمینی غیرقابل پیش‌بینی نبود. او از روی ناچاری به مداخله تن داده و از پیش‌پذیری این گونه اسائه ادب از ساحت خود شده است. شدت تضادها او را به عرصه مداخله آشکار کشاند. نسبت بقیه در صفحه ۲

مجلس شورای اسلامی در جلسه روز ۲۱ مهر خود به موسوی رای تمایل داد. از مجموع ۲۶۳ نماینده حاضر در مجلس، تنها ۱۶۲ نفر به او رای مثبت دادند. ۲۸ نفر رایشان ممتنع بود و ۷۲ نفر مخالف. بدین ترتیب موسوی تنها با پشتوانه ۶۱/۶ درصد آرای نمایندگان مجدداً در مسند نخست‌وزیری ایفا شد. در مرداد ماه سال گذشته در جریان رای اعتماد مجلس در آغاز دور دوم حیات خود به موسوی، به حول و قوت فتوای ولی فقیه تواست ۸۰ درصد آرای نمایندگان مجلس را در پشت سر وی قرار دهد. این افت چشمگیر حمایت نمایندگان از موسوی پیش از آنکه برای خود وی و کابینه از هم اکنون متزلزل و بحرانیتر خطرناک باشد، برای کل نظام حکومتی و در درجه اول ولایت فقیه خطرناک است. در واقع

سودان: آغاز مرحله‌ای دشوار

مقاله‌ای از محمد ابراهیم نقوده، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان مندرج در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"، شماره سال ۱۹۸۵

"اوین" مسئول‌گزینش و پذیرش دانشجویان

مقتدایی عضو و سخنگوی شوریایی قضایی طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام داشت که "شوریایی‌ها چنین منصلحت دید که ... امور گزینش و پذیرش دانشجویان که بر اساس فرمان هشت ماده‌ای امام زیر نظر شورای عالی قضایی فعالیت داشت به آن شورا محول شود. لذا بر اساس دستورالعمل، دو شعبه دادگاه انقلاب که در دانشگاه‌ها مستقر بود منحل گردید و در صورت نیاز پرونده‌ها و مدارک موجود به مقامات ذیصلاح یا به دادگاه و دادرسی انقلاب اسلامی اوین تحویل می‌شود." اوین این شکنجه‌گاه مخوف بقیه در صفحه ۲

اصلی آن دوره از مبارزه، یعنی ایجاد جبهه‌ای وسیع برای دموکراسی و ذیبات میهن، تحقق یافت. رژیم استبدادی سرنگون شد، انحلال نهادها، سیاسی، بقیه در صفحه ۱

سیاسی در سودان وارد مرحله نوینی شده است خلق ما به مدت ۶ سال برای برچیدن رژیم استبدادی و احیای آزادیهای دموکراتیک و استقلال ملی مبارزه کرد. با قیام ماه مارس، شعار



در هفته‌های اخیر رسانه‌های گروهی کثرت‌ازشاهی در باره ناآرامی در خارطوم پایتخت سودان منتشر کردند. دولت سودان اعلام کرد بدنبال جنگی سازی یک توطئه کودتا، در این شهر مقررات وضع فوق‌العاده برقرار شده است. به منظور درک بهتر مسائل و وثائقی که هم اینک، شش ماه پس از سرنگونی رژیم نمیری، انقلابیون سودان در برابر آن قرار دارند، اقدام به درج ترجمه بخشی از مقاله دبیر کل حزب کمونیست سودان که در شماره ۹ مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" چاپ شده است، می‌کنیم.

روند مبارزه طبقاتی و مبارزه

رساتر باد فیراد اعتراض خلق علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام!

«اوپن» مسئول‌گزینش و پذیرش دانشجویان

بقیه از صفحه اول

وسلخ هزاران جوان انقلابی از سوی حکومتیان، و قیحهانه دانشگاه خوانده می‌شد اینک گویا برای اثبات همین امر است که امور پذیرش دانشگاه‌ها و مدارس عالی را نیز به اوپن منتقل کرده اند!

دست اندرکاران رژیم خمینی رسوایی خویش را بحدی گسترده می‌بینند که دیگر برده پوشی و عوامفریبی را دست و پا گیر و بی‌بهره می‌پایند. دیگر رسا اعتراف می‌شود که اخراج و تعلیق دانشجویان و کزینش داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها توسط شکنجه گران و ساراکیهای رژیم و در اوپن پیش برده می‌شود.

در بهار سال ۱۳۵۹ رژیم خمینی در هراس از اندیشه پیشرو و گسترده‌ی و قدرت‌مندی جنبش دانشجویی کشور و در ستیز با دانش و تفکر علمی، دانشگاه‌ها را مسخر ساخت. از همان آغاز به اصطلاح "انقلاب فرهنگی" تجسس و تلاش برای جمع آوری اطلاعات آغاز گشت. در طی دوران سه ساله تعطیلی دانشگاه‌ها و پس از بازگشایی، کشتار، دستگیری، بیکرد، اخراج و تعلیق دانشجویان و استادان مبارز و انقلابی به شکل بسیار گسترده دنبال شد. بطور متوسط در مراکز مختلف آموزش عالی از ثبت نام مجدد نزدیک به $\frac{1}{4}$ دانشجویان مانع بعمل آمد. برای این منظور ارگانها و ابادی، جاسوس رژیم در دانشگاه‌ها وسیعا بکار گرفته شدند. در هر واحد آموزشی ارگانی به نام "شورای پذیرش" شکل گرفت. سعی فراوانی در مخفی ماندن ترکیب این "شورا" بعمل می‌آمد. از آنجا که بخشی از فعالین سازمانهای سیاسی انقلابی را دانشجویان تشکیل می‌دادند همکاری و همپیوندی نزدیکی بین مراکز سرکوب و تشکل‌های دانشجویی رژیم برقرار گشت. برخی از اعضا، انجمن‌های اسلامی، شکنجه و بازجویی مبارزین و انقلابیون را پیشه کردند و هم اینان و همکارانشان "شورای پذیرش" را می‌گرداندند. بر ششامه ثبت نام برکهای، بازجویی‌های رامی‌مانست. "وحدت حوزه و دانشگاه" در شکنجه‌گاه اوپن تحقیق‌یا یافت.

به دنبال افزایش اعتراضات دانشجویان اخراجی و خانواده هایشان و بن بست آموزشی رژیم، استقرار دادگاه‌هایی در دانشگاه‌ها جهت رسیدگی به پرونده این دانشجویان از سوی شورای عالی قضایی

و با هدف عوامفریبی اعلام شد. همانگونه که در سخنان مقتدایی نیز قید شده است این دادگاه‌ها پس از "فرمان هشت ماده‌ای" تشکیل گردیدند و به دنبال آن تعداد اندکی از دانشجویان تعلیقی که با اتهامات غیر سیاسی از تحصیل باز مانده بودند مجدداً پذیرفته شدند.

ایفک اغزایش تقابل مردم با مرتجعین حاکم که به معنای افزایش وحشت رژیم از حرکت‌های توده‌ایست، نمایان است. در عرصه دانشگاه این وحشت خود را بشکل تاکیدی‌های مکرر رهبران رژیم بر ضرورت اعمال تدابیر هر چه شدیدتر در جلوگیری از ورود دانشجویان پیشرو و مبارز به مراکز آموزش عالی کشور نشان می‌دهد. جمله خمینی که همه گرفتاری‌های ما از دانشگاه است بازتاب همین وحشت است. سیردن علنی امر پذیرش دانشجویان به دادگاه و اادسرای انقلاب اسلامی اوپن را باید در همین راستا نگرست. ضمن اینکه رژیم می‌اندیشد بدین طریق بیکیری اعتراضات دانشجویان نیز مشکلتز صورت خواهد پذیرفت.

اما فقط امر پذیرش دانشجویان دانشگاه‌ها به "اوپن" و ارگانهای اطلاعاتی سیرده نشده است. تجسس و انجام تحقیقات در مورد قبول شدگان کتکوز نیز مدت‌هاست که بر عهده این ارگانها نهاده شده است. در این مورد فاضل وزیر فرهنگ و آموزش عالی در بهمن ماه سال گذشته گفت: "از این پس برای این منظور مقرر شد ضوابط کزینش و نحوه استعلام از مراکز مطمئن و موثق رسمی در سال آینده به اجرا گذاشته شود یعنی از این پس برای تحقیق از منابع محلی غیر رسمی استفاده نخواهد شد."

این "مراکز مطمئن و موثق" و به بیان اطلاعاتیه هیات مرکزی کزینش دانشجوی: "تمامی خواهان و برادران دست اندر کار" پس از سه ماه و نیم تجسس و تحقیق با استفاده از ردیلاسه ترین شیوه‌ها نتایج آزمون سراسری امسال را منتشر ساختند. طبق اخبار رسیده بخش قابل توجهی از قبول شدگان آزمون علمی از طرف شکنجه گران و جاسوسان رژیم فاقد صلاحیت برای ادامه تحصیل تشخیص داده شده‌اند. اطلاعاتیه هیات مرکزی کزینش که تلاش نموده است این رقم براتب کمتر و مبهم بازتاب دهد، آثرا "کمتر از یک در صد داوطلبان

بحران اقتصادی و "استراتژی نوین جنگی"

بقیه از صفحه اول

ارزاق و مایحتاج مردم است. رژیم نه تنها در عرصه نظامی، بلکه به ویژه از تشدید اعتراضات توده‌ها و بالاکرفتن موج نارضایتی مردم نیز می‌هراسد. حکام جمهوری اسلامی برای تخفیف این تکرانی‌ها، دست به تبلیغات گسترده‌ای زده‌اند. در هفته‌های اخیر، آنها در هر ریسمانی چنگ در انداختند و به هر شیوه تبلیغی توسل جستند، تا اوضاع اقتصادی کشور را کاملاً عادی و حتی فراتر از آن، مطلوب بنمایانند. همه مسئولین جمهوری اسلامی، از نخست وزیر گرفته تا معاون فلان بخش و وزارت بازرگانی، در هفته‌های اخیر به میدان آمده و مدعی شدند که اوضاع اقتصادی کشور دچار هیچگونه نارسائی نیست. نخست وزیر از مطلوب بودن کل اقتصاد کشور سخن راند، مسئول مواد غذایی وزارت بازرگانی، وضع مرغ و تخم مرغ، گندم و برنج را عالی توصیف کرد، مسئول قند و شکر، مدعی شد که خود کفا شده ایم. وزیر کشاورزی مدعی شد که سیلوهای بزرگ از گندم لبریز است، و از همه غلیظتر، وزیر نفت جمهوری اسلامی آنچنان دروغی را طرح کرد که در تشخیص کذب آن زیرکی ویژه‌ای نیاز نیست. وزیر نفت مدعی شده بود که جمهوری اسلامی توانایی آن را دارد که چند برابر میزان تعیین شده از سوی اوپک، نفت صادر کند. این ادعا آنگاه در معنای نشیفد که با گفته یکی از نمایندگان مجلس مقایسه گردد. این نماینده اعتراف کرده بود که "در شرایطی هستیم که شاید ناچار شویم مملکت را بدون فروش قطره‌ای نفت اداره کنیم" (کیهان هوایی- ۱۷ مهر ماه)

به دور از های و هوی تبلیغاتی رژیم، بحران اقتصادی کشور به گوشه‌ای دم افزون تشدید می‌شود، و چون توده‌ها با پوست و گوشت خود این بحران را لمس و درک می‌کنند، از این روحکام مرتجع نمی‌توانند با توسل به جار و جنجال تبلیغی خود، آن را پوشیده و در خفا نگاه دارند. کاهش صادرات نفتی کشور، شیرازه برنامہ ریزبیهای اقتصادی را گسیخته است. نوربخش رئیس کل بانک مرکزی اعتراف کرد که "اختصاص ارز به هر بخش علاوه بر اولویتها، بستگی به درآمد حاصل از فروش نفت در ماه قبل دارد" و این سخن یعنی افلاس رژیم. و این یعنی

ماشین جنگی جمهوری اسلامی، چون چاه ویلی، پسر ناشدنی است. جنگ افروزان حاکم، نمیتوانند کمترین اخلاقی را در کار این ماشین، تحمل نمایند. آنها می‌کوشند تا با توسل به هر شیوه‌ای، به صادرات نفتی خود ادامه دهند. رژیم با در نظر گرفتن همه تمهیدات جدید، در تلاش است تا از طریق لوله کشی و دیگر وسائل حمل نفت، از بندرعباس و بندر کناوه در خصوص تدویم بخشیدن به صادرات نفت بهره بگیرد. آنها همچنین در نظر دارند تا از جزیره لوان و ناحیه شمالی جزیره خارک که زیر پوشش پدافند هوایی بوشهر است، استفاده کنند. رژیم عراق، چند روز قبل مدعی شد که تاسیسات نفتی واقع در بندرعباس را نیز مورد حمله قرار خواهد داد و حتی پیش از این، ادعا کرد که بمباران این تاسیسات احتمالی نفتی در بندرعباس، سهل‌تر از بمباران جزیره خارک می‌باشد. ولی با فرض اینکه، جمهوری اسلامی موفق به بهره گیری از این امکانات صادراتی گردد، قدر مسلم اینست که میزان صادرات نفت، نمیتواند، بهیچ رودر حد سابق آن باشد. در واقع، هر گاه جمهوری اسلامی قادر گردد از همه امکانات جایگزینی در امر صادرات نفت بهره گیرد، باز دور از یقین نیست که صادرات نفتی ایران در حدود ۱ میلیون بشکه در روز خواهد بود.

کاهش صادرات نفت، رژیم را عمیقاً به عراس افکنده است. این امر در عین حال باعث تکرانی و تشویش فزاینده مردم نیز گشته است. تکرانی و تشویش مردم، کاملاً بجا است، چه کاهش صادرات نفت به معنای قحطی ورود به آموزش عالی - فقط ۴۴ هزار نفر در کتکوز تیر ماه امسال شرکت نمودند - ذکر کرده است. اما هیچکدام از این تمهیدات برای رژیم چاره ساز نخواهد بود. باسیم خاردار نمی‌توان سد راه طوفان شد. رژیم نه می‌تواند جلو اوج گیری دوباره جنبش دانشجویی را بگیرد - این را حرکت‌های اخیر دانشجویی می‌گوید - و نه می‌تواند جلو ورود اندیشه پیشرو و پیشرو را به دانشگاه بگیرد. این را جوهر انقلابی دانش می‌گوید، این را جنبش توده‌ای می‌گوید، این را عجز و فلاکت و انزوای ابادی رژیم در دانشگاه می‌گوید، این را...

سرچشمه هراس

مردم ترسند. وی به آنان گفت: "به شکست کشاندن دولت... بر خلاف مصالح خودتان است." وی در حالی که خشم خود را از نمایندگان ثاقربان پنهان نکرد به همه تذکر داد که "ما الان در مشکلات هستیم و نباید دولت به مدت طولانی تعطیل بشود... انتقاد خصمانه نکنید، در نطق‌های پیش از دستور هتاکي نکنید، نباید یکدیگر را تضعیف کنید، همدیگر را تضعیف نکنید!"

خمینی در این سخنرانی بسیار هراسان و عصبی بود. او می‌داند وقتی کار به جایی برسد که نمایندگان مجلس به "شینامه" پخش کنی رو بیاورند و یکدیگر را متهم به براندازی، کنند، تا چه حد شکاف‌ها عمیق یافته و پراکنده، نظام خطرناک است.

سرچشمه هراس او مردمند و نه در اصل پس رفت یا پیش رفت یک جناح حکومتی. او در سخنرانی خود تأکید کرد که با تعمیق شکافها در دل حکومت، کل بنای رژیم در برابر سیلی که از این سرچشمه هراس خروشان و جوشان به راه می‌افتد، سست و ضعیف ترمی گردد. وی گفت: "چنانچه در مجلس اضطرابی واقع بشود، این تأثیرش در جبهه‌هاست، در کارخانه‌هاست، در کشاورزی‌هاست، در همه جا تأثیر دارد." وی ملتسانه و فریبکارانه از مردم خواست "که نسبت به این موضوع آرامش خود را حفظ کنند و هیچ حرکتی که بر خلاف آرامش است انجام ندهند... راجع به این که چه شده است حرفی نزنند و راجع به آینده مواظب باشند."

بی گمان مردم به این سفارش آخر خمینی عمل خواهند کرد. آنها مواظب آینده خواهند بود. اما دیگر بسیار دیر شده است که خمینی هم مواظب آینده خود باشد.

است نمی‌خواهد که همه ارکانها، تمام و کمال درید قدرت آنان باشد.

اما این جناح از پانسی نشینند و در ضمن این که با صدای بلند ناراضی‌هایی عمیق خود بیخاطر از دست دادن پست نخست وزیری را اعلام می‌کند، حال، نیروی خود را برای تصرف پستهای کابینه متمرکز ساخته است.

کابینه ائتلافی با کابینه انحصاری؟ این بحث روز حکومتگران است.

منتظری در دیدار هفته گذشته خود با صد تن از نمایندگان مجلس که به ابقای موسوی در پست نخست وزیری و فتوای خمینی در این مورد رای مثبت داده بودند، جانبداری خود از نظریه کابینه انحصاری و به قول خودشان کابینه هماهنگ را اعلام نمود. وی گفت: "مصلحت اقتضای کند که در دولت هماهنگی باشد و باید سعی کنید در دولت هماهنگی بوجود آورید. اگر هماهنگی باشد که خلاصه کار یکدیگر را خنثی کنند، این می‌شود فتنه."

خمینی در دیدار بسیار همان جماعتی که بعد از دیدار منتظری رفتند، در این مورد موضع صریحی نگرفت و در واقع تپه خود را تا آن حد برانداخت که جوانب کابینه را برآورد. او پیش از این که به منفعت این جناح یا آن جناح بیندیشد منفعت کلیت رژیم را در نظر دارد و به شدت نگران آینده است. او می‌داند که حکومتیان علی‌رغم همه تضادهایشان در یک چیز وحدت تام دارند و آن رودر رویی با مردم است. او در دیدار روز چهارشنبه ۲۴ مهر ماه خود با نمایندگان که به فتوای وی تمکین کرده بودند، این نگرش خود را یکبار دیگر تصریح کرد و همه را از آینده و

بقیه از صفحه اول

موافقین و مخالفین موسوی، در جریان رای تمایل، علی‌رغم این که در جای، خود گویا و پیر معنی است، تمامی مدت و بعد این تضادها را منعکس نمی‌کند. فتوای خمینی بهر حال برخی از نمایندگان را به تقیه و مصلحت اندیشی واداشت و اگر این فتوای صادر نمی‌شد، نتیجه قلعاً بدین صورت درنی‌آمد.

سخنرانی خامنه‌ای بعد از مراسم سوگند رئیس جمهوری از این نظر بسیار پر اهمیت است. او گفت سوگند وی به شرطی "شرعی و جدی" است که اختیاراتی که در اصول ۱۲۴ و ۱۲۳ قانون اساسی مبنی بر حق انتخاب نخست وزیر و وزیران به رئیس جمهور داده شده از وی سلب نگردد. خمینی این اختیار را عملاً از خامنه‌ای گرفت و نخست وزیری را به وی تحویل نمود که او همیشه بدان با بض خواهد تکیست.

این گونه دخالت‌ها و تداخل‌ها، در نشریات جمهوری اسلامی و در محافل و مجالس حکومتی به بحثهای مفصلی حول این که اختیار نهادهای اصلی حکومتی چیست دامن زد. در این بحثها یک نظر تکیه را بر روی ولایت فقیه می‌گذارد و نظر دیگر کوش می‌کند در آنجا که منافع اش اقتضا کند به نظر ولی فقیه و قعی تکیه دارد. این بحث حقوقی، پوششی است بر روی یک بحث اساسی‌تر. جناح فوق ارتجاعی و ماورای راست جمهوری، اسلامی حق و حقوق بیشتری را می‌طلبد. اکثر قریب به اتفاق

نمایندگان که در مجلس، به موسوی، و در واقع به فتوای خمینی رای مخالف دادند، به این جناح تعلق دارند. خاموشی یکی از چهره‌های سرشناس این جناح در سال گذشته طی یک سخنرانی در سینما تورم دانشگاه ملی بر این دیدگاه هم مسلکان خود تأکید کرد که از نظر آنها سیاست گذاری بر وفق مراد سرمایه است، اما در زمینه‌های اجرایی هنوز آنان که شایسته است رضایت سرمایه چنان نمی‌شود. (الملاعات ۲۲ آذر ۱۳۶۳) تقلای جناح ماورای راست برای قیضه پست‌ها در قوه مجریه بهمین خاطر و نیز برای تضمین آینده است. خمینی علی‌رغم باز گذاشتن دست آنها و تأیید سیاستهای آنان، از زاویه مصالح و الزامات حکومتی و همچنین از این نظر که حلقه اتصال همه جناحها

اینکه تمام دار و دسته اقتصاد گردانان و برنامه ریزان این بیت المال موریانه خورده رژیم، در حد چرتکه اندازان حجره‌ای خرد در بازار، که خرج و دخل خود را شبانه به حساب می‌نشینند، تنزل نموده‌اند.

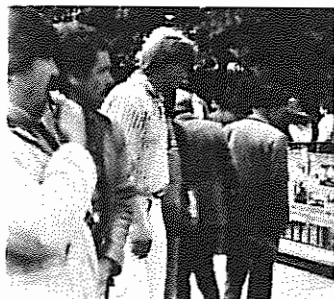
مشکلات ارزی رژیم، تأثیر سنگین و فوق العاده خود را بر روی واردات کالاهای صنعتی و مصرفی خواهد گذاشت. این مشکلات باعث خواهد شد که در ماههای آینده کارخانه‌های بیشتری به علت کمبود مواد اولیه و لوازم یدکی از حرکت باز بمانند و تعداد بیشتری از کارگران کشور اخراج شوند. واردات کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم و همچنین تولیدات داخلی این قبیل کالاهای کاهش خواهد یافت، در مقابل شرح تورم بالا می‌رود و خانمانسوزی و فقر و فاقه توده‌ها فزونی می‌گیرد. حقیقتی است که بار اصلی بحران اقتصادی به مردم کشور تحمیل خواهد شد. و رژیم از عکس العمل توده‌ها در قبال این نارسائی‌های حاد اقتصادی وحشت دارد. رژیم از حرکت مردم، از اعتراض و اعتصاب سخت می‌هراسد.

بدیهی است که عدم توانائی رژیم در تحصیل ارز مورد نیاز خود، بلادرنگ در سیاست، در اجتماع و به ویژه در جنگ نیز بازتاب خواهد یافت.

در چنین شرایطی است که حکام جمهوری اسلامی از استراتژی نوین جنگی سخن می‌رانند. حکام مرتجع می‌کوشند تا بار دیگر به ضرب تبلیغات و به زور سرنیزه، جوانان وطن را بر بیایند، به جبهه‌ها گسیل دارند و به مسلخ گاه جنگ بکشند. "استراتژی نوین جنگی" که هم اینک از سوی فرمانده سپاه تبلیغ می‌شود، در واقع چیزی جز سیاست قربانی کردن نیروهای انسانی در جبهه‌ها نیست. طبیعی است که حملات نفوذی و محدود نمی‌تواند رویاهای کپک زده حکام جمهوری اسلامی را در امر صادرات انقلاب اسلامی جامه عمل پوشاند. حکام جنگ افروز جمهوری اسلامی در یافته‌اند که در جنگ فرسایشی جز باخت نصیبی نخواهند برد.

استراتژی نوین جنگی و دعوتهای مکرر سپاه و ارتش، همگی دال بر این موضوع می‌باشند که رژیم "طرح" یک حمله گسترده دیگری را در اوج ناتوانی در سر می‌پروراند. استراتژی نوین جنگی، بن بست دیگری است بر سر سیاستهای جنگی رژیم خمینی.

تظاهرات ضد جنگ در شهر هامبورگ



نمایشگاه عکس علیه جنگ ایران و عراق بازدید کنندگان زیادی داشت.

شهر هامبورگ در روز ۲۱ سپتامبر شاهد تظاهرات فدائیان، توده‌ای‌ها و تعدادی از ایرانیان علیه جنگ خانمانسوز ایران و عراق بود. تظاهر کنندگان با حمل پلاکاردها و پرده‌هایی که بر آنها شعارها، ضد جنگ نقش بسته بود و سپس برگزاری نمایشگاه عکس از ویرانگری‌ها و نکبت جنگ، نفرت بی پایان مردم ایران را از ادامه جنگ به نمایش گزاردند.

سفنان خود، از بازتاب مسائل مربوط به درگیریهای درون حکومتی به نیروهای انتظامی و نظامی اظهار تکراری کرد و به نمایندگان و مسئولین در این خصوص هشدار داد. وی خطاب به نیروهای سپاه و ارتش گفت: "آنها نباید در امور سیاسی دخالت کنند... به آنها مربوط نیست و آنها باید مشغول جنگ باشند."

اصلاح برنامه پنجساله اول

وسایستهای بودجه سال ۶۵

قائم مقام نخست وزیر در وزارت برنامه بودجه طی مصاحبه ای، برنامه های اقتصادی کشور را چه در زمینه اصلاح برنامه پنجساله اول و چه درباره سیاستهای اقتصادی و بودجه سال ۶۵ تشریح کرد. برنامه بودجه سال ۶۵ و اصلاحات بعمل آمده در برنامه پنجساله نخست همگی بر اوضاع وخیم اقتصادی دلالت دارند. بر اساس این سیاست اقتصادی درآمد نفت منظور شده در بودجه سال ۶۵، کاهش یافته و در حد ۵۰ درصد کل درآمد رژیم تعیین شده است. معورهای اصلی سیاستهای اقتصادی رژیم عبارت است از کاهش هزینه ها که در واقع کاهش بودجه عمرانی است و اصلاح نظام اداری که منجر به اخراج دهها هزار پرسنل اداری خواهد شد و اصلاح بودجه شرکتها و تاکید بیش از پیش بر درآمدهای مالیاتی. در این برنامه توجه ویژه ای به طرحهای کوتاه مدت اقتصادی شده است.

قائم مقام نخست وزیر مطرح کرد که جمهوری اسلامی در صدد اخذ مالیات جنگی از مردم است. افلاس رژیم را واداشته است که سیاست فروش پروژهای کشور را به کشورهای خارجی تعقیب کند. قائم مقام مذکور متذکر شد که در قراردادی که بین ایران و ژاپن، اخیرا منعقد گردید، نیروگاه مدان به ژاپنی ها فروخته شده است.

کل بودجه سال ۶۵، ۲۲۵۰ میلیارد ریال تعیین شده است که نسبت به بودجه سال ۶۴ با کاهشی جدی مواجه است. در این بودجه، بودجه عمرانی کل کشور باز هم کاهش یافته و در حد ۹۵ میلیارد ریال محدود گشته است.

بازهم دیدارهای باشگاههای

دسته یک تهران به تعویق افتاد

اکبر قاسمی یکی از اعضای فوتبال استان تهران، اعلام کرد، بنا به تصمیم هیات فوتبال تهران، مسابقات دسته اول باشگاههای تهران تا اعلام آمادگی کامل پلیس تهران برگزار نخواهد شد.

سرهنگ عباس معظمی رئیس پلیس تهران در مورد عدم آمادگی کامل پلیس توضیح داد که در حال حاضر ضلع جنوب غربی ورزشگاه شيرودی در حال تعمیر و مرمت است و با توجه به اینکه مقادیر نسبتا زیادی مصالح ساختمانی در محل ریخته شده، لذا تا زمانی که این مصالح ساختمانی ریخته شده در استادیوم شیب شيرودی جمع آوری نگردد، برگزاری مسابقات در این مکان به مصلحت نیست.

لازم به یادآوری است که سال گذشته در جریان دیدار تیم های استقلال و پرسپولیس که منجر به تظاهرات ضد حکومتی و درگیری هزاران تماشاگر با سپاه و کمیته شد، تماشاگران برای مقابله از سنگ و پاره آجر نیز استفاده کرده بودند. بقیه در صفحه ۹

از مجموع ۲۶۲ نماینده مجلس ۱۶۲ نفر رای موافق، ۷۲ نفر رای مخالف و ۲۸ نفر رای ممتنع به ابقا نخست وزیر موسوی دادند. نکته حائز اهمیت در این رای، گیری هانا ۱۰۱ رای مخالف به حکم ولایت فقیه بود. این اولین باره، است که نمایندگان مجلس صریحا به مخالفت با حکم خمینی می پردازند.

مصاحبه موسوی

میر حسین موسوی نخست وزیر بعد از اخذ رای مجلس پیرامون پست نخست وزیر، در مصاحبه ای شرکت کرد. وی بی آنکه به آراء مخالف و منتقد اشاره ای کند، از نمایندگان مجلس بخاطر رای اعتماد نسبت به وی، ابراز تشکر کرد و اظهار داشت: "در آینده امیدوارم که هماهنگی و سازندگی بین نخست وزیر و رئیس جمهوری وجود داشته باشد." وی در مصاحبه خود اطلاع داد که لیست اسامی کسانی که برای احراز مقام وزارت در نظر گرفته شده اند، تحت بررسی است و تا دو سه روز دیگر کابینه خود را به رئیس جمهور معرفی خواهد کرد، وی متذکر شد تا دولت جدید با نظر شورای نگهبان آغاز به کار نکرده است، دولت فعلی به کار خود ادامه خواهد داد.

درگیری های درون حکومتی

تشدید می شود

در هفته گذشته درگیری بین مسئولین مملکتی به فاز جدید، وارد شد تا آنجا که تعدادی از نمایندگان مجلس برای اولین بار به رای ولایت فقیه بر حفظ موسوی درست نخست وزیر، رای مخالف دادند. همانگونه که پیش بینی شده بود درگیریهای درون حکومتی بعد از انتخاب نخست وزیر فروکش نکرد، بلکه شدت گرفت و هم اکنون بر سر انتخاب وزیر امور خارجه شده است.

در هفته گذشته منظری و خمینی در ملاقات با نمایندگان مجلس، اضطراب رژیم را از حوادث کشور و هراس رژیم را از بازتاب این درگیریها در میان مردم به نمایش گذاشتند. همه مسئولین مملکتی و همه رسانه های گروهی بر سر مصلحت و حیاسیت اوضاع و شرایط فراوان تاکید نمودند. خمینی تاکید کرد که "نمایندگان از هتاکتی به یکدیگر و از انتقادهای خصمانه پرهیز نمایند". خمینی نمایندگان را که رای مخالف به ولایت فقیه داده بودند، تهدید کرده و از نمایندگان و مسئولین مملکتی درخواست نمود تا مانع از درز این اخبار بین مردم گردند.

اعلام حمایت سران رژیم از ارتش

به دنبال حکم چندی پیش خمینی مبنی بر تبدیل شدن سپاه پاسداران به یک ارتش تمام عیار مجهز به نیروها، هوائی، دریائی و زمینی، نارضایتی در درون ارتش فزونی گرفت. اخیرا مسئولین مملکتی در راستای تمجیب ارتش و تخفیف نارضایتی ارتشیان می کوشند. حجت الاسلام رفسنجانی در نماز جمعه روز ۱۹ مهرماه عنوان نمود که "به عنوان نماینده امام، هر روز اعتمادم به پشتوانه بودن ارتش برای حفظ انقلاب و دفاع از کشور بیشتر می شود."

خمینی نیز روز چهارشنبه ۲۴ مهرماه طی سخنان خود خطاب به نمایندگان مجلس، بر حمایت از ارتش تاکید کرد و آنها را ارتش خوبی خواند. خمینی در

جنگ

در هفته گذشته نیز چون دیگر هفته های پیش از آن، کانون و محور اصلی جنگ، آبهای خلیج فارس بود و در جبهه های شمالی، غربی و جنوبی، جز حملات محدود و عملیات دیگری گزارش شد. عراق مدعی شد که نیروی هوائی آن کشور برای بیست و هشتمین بار تاسیسات نفتی خارک را مورد حمله قرار داده است. ستاد مشترک ارتش نیز مدعی شد که یکی از هواپیماهای عراقی را در نزدیکی جزیره خارک سرنوین کرده است. نکته قابل توجه در اطلاعیه ستاد مشترک در مورد سرنوینی هواپیماهای عراقی این است که این گزارش پس از دو روز تاخیر در رسانه های گروهی جمهوری اسلامی انعکاس یافت.

ارتش عراق در ضمن مدعی شد که نیروی هوائی آن کشور به یک شناور در آبهای خلیج فارس حمله کرده اند. عراق اعلام کرده است که نیروی هوائی آن کشور ظرف ۱۵ روز گذشته هشت کشتی را در آبهای خلیج فارس مورد حمله قرار داده اند. نیروی دریائی جمهوری اسلامی نیز در هفته گذشته گزارش کرد که دو کشتی دیتزر را توقیف کرده است. این دو کشتی متعلق به کشورهای سربلانکا و آلمان فدرال می باشند، که کشتی سربلانکائی بعد از عملیات تجسس، ظرف هفته گذشته آزاد شد ولی گزارشی مبنی بر آزادی کشتی آلمان فدرال منتشر نشده است.

ستاد مشترک در ضمن طی اطلاعیه ای، از پزشکان کشور برای شرکت در جبهه ها فراخوانی به عمل آورد. هیات دولت نیز پرداخت ۴۰ میلیارد ریال را، بطور فوق العاده به سپاه و وزارت دفاع برای انجام عملیات نظامی تصویب کرده است.

تهدیدات وزیر نفت

غرضی وزیر نفت جمهوری اسلامی در بازگشت از نشست اوپک، تهدید کرد که هرگاه عراق حتی یک بشکه پیش از سهمیه تعیین شده از سوی اوپک نفت صادر کند، جمهوری اسلامی، اقدام به صدور و بشکه اضافه خواهد نمود. اشاره آقای غرضی به خط لوله نفتی است که با استفاده از خاک عربستان سعودی، عراق را قادر ساخته است تا ۵۰۰ هزار بشکه بر صادرات نفت خود بیافزاید غرضی تهدید کرد که در قبال این ۵۰۰ هزار بشکه، جمهوری اسلامی یک میلیون بشکه بیشتر از سهمیه تعیین شده از سوی اوپک نفت صادر خواهد کرد. در خصوص افزایش صادرات نفت عراق، گزارش شده است که اخیرا این کشور در تلاش است تا با اجرای یک پروژه دیگر، با کمک یک شرکت آلمان فدرال خط لوله ای بین عراق و خلیج عقبه در اردن احداث نماید. لازم به تذکر است که تهدیدات وزیر نفت جمهوری اسلامی در شرایطی طرح می شوند که صادرات نفت جمهوری اسلامی به شدت کاهش یافته است، و جمهوری اسلامی حتی قادر نیست نصف مقدار تعیین شده از سوی اوپک نفت صادر کند.

مخالفت علنی با حکم خمینی

خامنه ای رئیس جمهور، طی نامه ای، به رئیس مجلس، موسوی را به نخست وزیر معرفی کرد. سه روز پس از آن، یعنی در روز یکشنبه ۲۱ مهرماه، پیرامون نامه رئیس جمهور، رای گیری به عمل آمد و



گزارشی از تخلیه یکی از دبستانهای جنوب تهران

دبستان "شهید قاضی" با پیش از صد دانش آموز در محله صابون پزخانه تهران واقع است. این دبستان جزو املاک استیجاری آموزش و پرورش است که مشمول حکم تخلیه حاکم "شرع" شده است. در تاریخ ۱۹ شهریور درب مدرسه را مهروموم کردند و صبح شنبه ۲۲ شهریور، مالک ساختمان با در دست داشتن حکم دادگاه جهت تخلیه مدرسه، همراه با مامورین کلانتری ۱۶ تهران در محل حضور یافت. اهالی محروم مغلقه که از موضوع باخبر شده بودند، در جلوی مدرسه جمع گردیده و شروع به اعتراض نمودند. هر بار که مامورین میزها و شیمکتها را بیرون می آوردند با مقاومت و تعرض مردم مواجه می گشتند و در نتیجه وسایل مدرسه به داخل بازگردانده می شد.

کم کم برخوردها شدیدتر شد و به علت ازدحام مردم خیابان محل مسدود گردید. اهالی جهت مخالفت با مالک بسیاری از شیشه های دبستان را شکستند. مامورین شهربانی که از تعرض مردم هراسیده بودند، فرار از مهلکه را ترجیح دادند و جای آنها را بیست مامور کمیته هرندی گرفتند. بر اثر حضور کمیته چپی ها، اعتراض مردم شدت گرفت. بطوریکه مامورین کمیته جهت پراکنده کردن آنها اقدام به شلیک گلوله هوایی کردند. کمیته چپی ها مردم را تهدید کرده و گفتند، اگر متفرق نشوید همه تان راه گلوله می بندیم. اما این تهدیدها پادشام های آنان رو بر رو گردید.

سرانجام مالک ساختمان مدرسه در هراس از مردم، گریخت. مامورین کمیته دوباره درب مدرسه را مهروموم کردند تا در وقت مناسبی اقدام به تخلیه وسایل آن کنند.

این ماجرا اهالی را شدیداً خشمگین ساخته بود. مردم مالک ساختمان را هنگام خروج وی از مهلکه، تهدید به مرگ می کردند. یکی از زنان محله می گفت ما انقلاب نکردیم که در مدرسه ها را ببندند و بچه های ما را در کوچه ها سرگردان کنند. مالک و مامورین حکومتی هفوز نتوانسته اند کاری از پیش ببرند.

به هنگام تخلیه دوازده مدرسه ابتدایی منطقه ۱۲ تهران نیز مالکین این مدارس با اعتراضات مردم و تعدادی از مدیران این مدارس روبرو شدند.

روستائیان و جنگ

چندی پیش در یکی از روستاهای ماوندان به نام "داراب کلا"، پیکر دو جوان بسیجی را که در جبهه کشته شده بودند، تشییع می کردند. هنگام تشییع چنانچه آنها، خانواده ها و عده ای از اقوامشان که در مراسم شرکت جسته بودند بانفرت و انزجار عمیقی به رژیم و سردمداران آن ناسوا می گفتند. در بی این

جریان بین افراد بسیج و سپاه که کشته شدگان را تشییع می کردند و خانواده های مذکور، درگیری بوجود آمد که منجر به ترک مراسم توسط افراد بسیج و سپاه گردید.

مقاومت روستائیان

در برابر ژاندارمهای رژیم

در قریه "سلیم بهرام" ماوندان، مرتعی وجود دارد که اهالی محل دام های خود را برای چرایه آنجا می برند. چندی پیش افراد ژاندارمری این مرتع را غصب و با سیم خاردار آنرا محصور کردند. این عمل با اعتراض مردم مواجه شد. آنها به محل مرتع رفتند و سیم های، خاردار را کندند. ژاندارمری تعدادی از روستائیان را مورد ضرب و شتم قرار داد ولی به خاطر مقاومت اهالی ژاندارمری مجبور شد افراد بیشتری را بسیج نماید اما نتوانست کاری از پیش ببرد و ظاهر اثن به مذاکره داد.

مردم از میان خود نمایندگان جهت مذاکره با ژاندارمری برگزیدند. اما وقتی نمایندگان اهالی به ژاندارمری مراجعه کردند، ژاندارمها آنها را دستگیر کردند و مجدداً دست به حمله زدند. این بار مقاومت اهالی خشمگین قریه آنچنان محکم بود که ژاندارمها با شکست سختی مواجه گردیدند و ناگزیر نمایندگان روستائیان را آزاد و مرتع را رها نمودند.

آغوش باز جمهوری اسلامی

برای سرمایه داران فراری

حدود ۲۵ نفر از سرمایه دارانی که پس از انقلاب به خارج گریخته اند، طی درخواستی تقاضای بازپس گرفتن سرمایه و کارخانه هایشان را از دولت جمهوری اسلامی کرده اند. در پی این درخواست، از طرف دولت بخشنامه ای خطاب به بانک تجارت صادر گردید که در آن برپایه دادن سرمایه و کارخانه های فراریان تاکید شده است.

تقدیس عز او مرگ، ضدیت پاشادی

در یکی از روزهای هفته سوم شهریور ماه، مردم حسین تماشای فیلم شهر موش ها، هماغه با موسیقی فیلم، دست می زدند. به همین سبب کمیته چپی ها به داخل سالن ریخته و فیلم را قطع کردند. ولی مردم به دست زدن ادامه دادند. کمیته چپی ها برای جلوگیری از شادی مردم، از کاژ اشک آور استفاده کردند. در همین زمینه کمیته به اداره کنندگان سینما دستور داده است قسمتی از فیلم را که دارای موسیقی شاد است، سانسور نمایند.

معالجه معتادان به شیوه جمهوری اسلامی

معتادانی که برای ترک اعتیاد به جزیره متروکی در خلیج فارس فرستاده می شوند، به دلیل نبود آب آشامیدنی سالم و مصرف آب آلوده، به نوعی بیماری انگلی دچار شده و بقول اهالی بدنشان گرم می گذارد. این کره ها که در زیر پوست بدن جمع می شوند توسط مبتلایان با چوب کبریت بیرون کشیده می شوند. اما اگر به تمامی خارج نگردند و دو تکه شوند، درد فرد مبتلا چندین برابر می شود. تاکنون

تعدادی از معتادان در اثر بیماری های مختلف و شدت های ناشی از زندگی در جزیره جان سپرده اند.

من به کمتر از این قانع نیستم

چندی پیش به دنبال کشف بمبی در خیابان ولی عصر، حدود ۲۵ نفر را در محل دستگیر کردند. دستگیر شدگان یکشنبه در کمیته واقع در ولی عصر زندانی بودند و دو نفر از آنها که با هم در گوشی حرف می زدند، توسط کمیته چپی هاشدیداً مضروب گردیدند. روز بعد، پس از بازجویی ها، طولانی از دستگیر شدگان، به دلیل فقدان مدارک کافی آنها را آزاد کردند. هنگام آزاد، یکی از کمیته چپی ها به دروغ مضروب شده گفت: شما جان سالم بدر بردید. اگر به دست می می افتادید حداقل یک پا یا دستتان را می شکستم من به کمتر از این قانع نیستم.

انجیل های اسلامی!

به دستور مقامات جمهوری اسلامی، در قسمت بالای انجیل هایی که به تازگی چاپ شده اند، جمله "بسم الله..." نوشته شده است. این امر موجب خشم و نارضایتی هم میهنان ارمنی ما گردید. بدین جهت در اواسط شهریور ماه، ارمنه در اعتراض به این عمل، در کلیسا، خیابان کریم خان زند جمع شدند تا علیه این خودسری، تصمیمی اتخاذ کنند. اما تعدادی موتورسوار حزب الله به آنجا ریخته و به ضرب و شتم ارمنه پرداختند. آنها با خشونت و وحشیانه چقدون ارمنی را از بالای بل کریمخان به پایین هل می دادند.

آنچه حزب اللهی ها انجام میدادند، انزجار شدید مردمی را که از خیابان کریمخان می گذشتند، بر آنمیخت.

افزایش محر و میتهای تحصیلی دختران

به دختران دانشجوی رشته فیزیک دانشگاه ملی، اجازه داده شده است تنها در "گرایش" جامدات این رشته تحصیل کنند. رئیس دانشگاه در پاسخ اعتراض دانشجویان، به بخشنامه صادره از وزارت علوم و آموزش عالی اشاره کرده است. همچنین در دبیرستان های اصفهان از دانش آموزان دختری که مایلند در رشته ریاضی درس بخوانند، ثبت نام نمی کنند.

خشونت علیه دختران ارمنی

تعدادی از دختران ارمنی، از حجاب خاص خود (کلاه و شال روی آن) استفاده می کنند. اما این کار هم با خشونت مزدوران کشت امر به معروف روبرو گردیده است.

در سازمان اثرژی اتمی

اخیراً در سازمان اثرژی اتمی مفاد بخشنامه ای مبنی بر جدا کردن زنان و مردان در تمامی سطوح و اجباری کردن مقنعه و حجاب اجرا گردیده است. این بخشنامه مشکلات فراوانی برای زنان شاغل در این اداره بوجود آورده است.

جمهوری اسلامی و عرصه "آگاهی اجتماعی"

بخش سوم

ایدئولوژی، جمهوری اسلامی، به دلیل همین نقش، جایگاه و کارکرد روحانیت در کلیت رژیم است.

در گزارش مذکور بلافاصله بعد از جملاتی که نقل شد، گفته شده است: "در این زمینه باید تاکید کرد که هیچ یک از طبقات و اقشار جامعه، به جز خود روحانیت به مثابه یک قشر اجتماعی، با این تمایل و تلاش روحانیت حاکم توافق کامل ندارند، اما واقعیت سالهای اخیر نشان داده است که در آخرین تحلیل، حاکمیت جمهوری اسلامی، دارای ترکیب و ماهیت طبقاتی معین بوده است. باید تاکید کرد که ترکیب روحانی نیروی مسلط بر حکومت، به آن ویژگی خاص بخشیده و در خصلت طبقاتی آن، پیچیدگی‌های معین ایجاد کرده است." بنابراین این کاراکتر طبقاتی این ایدئولوژی، در عصر حاضر، بالطبع این پرسش است که موضع آن در قبال "سرمایه"، در قبال بهره‌کشی انسان از انسان و در قبال مناسبات طبقاتی موجود در جامعه چیست؟ مایبش از این گفتیم که برای رهبران این رژیم، "سرمایه" موجود، مقدس است، "مالکیت" الهی است و "نابرابری اجتماعی" امری مقدر است. همین موضع در قبال "سرمایه" و "مالکیت"، تکلیف اصلی این ایدئولوژی را روشن می‌کند. اما آیا این ایدئولوژی را می‌توان بطور ساده ایدئولوژی بورژوازی ایران در وضعیت فعلی نامید؟

نه. مذهب اساساً عمده‌ترین شکل ایدئولوژی قرون وسطی است و روحانیون، "روشنفکران ارگانیک" نظام فئودالی هستند و نه طبقه بورژوازی. پس آیا این ایدئولوژی، "فئودالی" است؟ باز هم نه. اکنون برای این ایدئولوژی، هر چند هم که ارتدکسال و بنیادگرا باشد، هر چند که تمایل داشته باشد همه چیزها را به قرضا قبل بازگرداند، سرمایه‌داری، واقعیتی است بالفعل، واقعیتی است فرود آمده و تثبیت شده، واقعیتی است که نمی‌توان کاریش کرد جز آنکه با آن دمساز و همساز شد. تمکین به این واقعیت، خواسته و یا ناخواسته، این ایدئولوژی را به یک ایدئولوژی بورژوازی تبدیل می‌سازد.

باید توجه داشت که سرمایه‌داری، در جریان رشد خود در ایران، مذهب را کمابیش متحول ساخته و تمکین به واقعیت سرمایه‌داری، و انطباق‌های ناکزیر با آن، اساساً پیش از تبدیل این ایدئولوژی، به ایدئولوژی حکومتی صورت گرفته است. نخستین پرسش قدرت، "در خود" های سازگار با سرمایه‌داری را "برای خود" کرده، جنبه‌های ناسازگار ایدئولوژی را تا حد ممکن به عقب رانده و یا به شدت تحت فشار قرار داده است. در این مسیر، دگمهای بسیاری، در جهت انطباق با واقعیت‌ها شکسته شدند، اما نه در جهت همسازي با آرمانهای انقلاب، بلکه برای حکومت کردن بر یک جامعه سرمایه‌داری، وابسته به‌عنوان زده، در جهت لگد مال کردن انقلاب و حفظ سلطه سرمایه.

در تحقق امر وصلت نامیمون این ایدئولوژی با "سرمایه" در درون حجله گاه حکومتی، هم ایدئولوژی "پاپه‌چلو نهاد" هم "سرمایه". اما هر دو

در بخش نخست این مقاله، بعد از طرح بحث، دستگاه ایدئولوژیک در رژیم جمهوری اسلامی، رابطه آن با دستگاه سرکوب و ابزارها و اهرمهای آن، بطور فشرده مورد بررسی قرار گرفت. در بخش دوم، بعد از تعریف مقوله "آگاهی اجتماعی" و تفکیک حوزه‌های مختلف آن، به اختصار در مورد "روحیه یا روان اجتماعی" در جمهوری اسلامی بحث کردیم. در این بخش بررسی خود را بر روی "آگاهی اجتماعی" در سطح شناخت سیستماتیزه و تئوریک در شکل ایدئولوژی و خصایص عمده ایدئولوژی جمهوری اسلامی، متمرکز می‌سازیم.

طبقات استثمارگر، تبادل ایدئولوژیک (به شکل تمسیل، اتفاق نظر، در نظر گرفتن مصالح سیاسی روز، قرض گرفتن، قرض دادن، چپ‌بندی و ائتلاف، استفاده به عنوان سربل و...) صورت می‌گیرد و بالاخره همین پیچیدگی است که به ایدئولوژی، می‌تواند بدان حد در قبال شرایط عینی استقلال نسبی دهد، که عزم‌تکانه یک جنبش باشد و تنها در ادامه خود مضامین طبقاتی صریحی بیابد و با عمل در یک آرایش طبقاتی معین، کمابیش بر لایقه معینی استوار گردد.

حوزه‌های مختلف ایدئولوژی

ایدئولوژی، ناظر به حوزه‌های مختلفی است که اهم آنها عبارتند از: سیاست (ایدئولوژی سیاسی)، حقوق (ایدئولوژی قضایی)، فلسفه، علم، اخلاق، هنر و مذهب. بین این بخشها، رابطه "ماهنگی و تبعیت" وجود دارد و همین امر است که ایدئولوژی، را به صورت یک سیستم و یک کلیت درمی‌آورد.

"ایدئولوژی جمهوری اسلامی"

در کلیت آن

ایدئولوژی، دارای کاراکتر طبقاتی است. در معرفی یک ایدئولوژی، نخستین سخن، باید در مورد تعلق و خصلت طبقاتی آن باشد. به همین دلیل است که ایدئولوژی، اکثراً به صورت "مضاف" ظاهر شده و در فرهنگ سیاسی مارکسیسم-لنینیسم، این واژه اساساً به صورت مقید خود (ایدئولوژی بورژوازی، ایدئولوژی طبقه کارگر و...) استفاده می‌شود. مارکسیسم-لنینیسم در حالی که اصل را بر این می‌گذارد، اما از آنجایی که اندیشه‌ای جدا از ماتریالیسم مکانیکی و اکوئومیس است و دیالکتیک ایدئولوژی-لیاقه و دیالکتیک روینارزیر بنا را به شکل جامع و همه‌جانبه‌ای بیان می‌کند، دربرخورد با نمونه مشخص مورد بحث ما به ما این اجازه را می‌دهد که بدون تخطی از اصل فوق، نخستین سخنان در مورد ایدئولوژی جمهوری اسلامی این باشد که این ایدئولوژی، مذهب است.

در گزارش هیات سیاسی به پلنوم مهر ماه ۱۳۶۲ کمیته مرکزی سازمان ما آمده است: "در شناخت و تجزیه و تحلیل ماهیت و ترکیب جمهوری اسلامی ایران، در سالهای پس از انقلاب تا امروز، در درجه اول باید گرایشات و سمت گیریهای روحانیت حاکم را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. رایج‌ترین و پر نمودترین خصیصه این نیرو، البته روحانی بودن، تکیه روی آئین‌های کهن اسلامی و مذهبی کردن ساخت دولتی و تمام حیات اجتماعی و تلاش برای تأمین مغایر روحانیت بطور کلی است." (کار - شماره ۱ - آذر ۱۳۶۲) تاکید مقدم بر روی خصلت مذهبی

مفهوم ایدئولوژی

همینانکه در بخش دوم این مقاله گفته شد، "آگاهی اجتماعی" به دو شکل ظاهر می‌یابد: یا به صورت آگاهی عمومی و متعارف است که در سطح شناخت نظام نیافته و تئوریزه شده قرار دارد و همانا باورها، اخلاقیات، ذوقیات و عرف و سخن عامه است (روحیه یا روان اجتماعی) و یا به صورت نظام یافته و مدون است که در مفهوم اصح خود همانا "ایدئولوژی" است. ایدئولوژی، سیستمی از نظریات اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، فلسفی، هنری، مذهبی و...) نظایر اینها) است که بر بنیاد مناسبات عینی جامعه، در درجه اول مناسبات تولیدی، منافع لایقه معینی را بیان می‌کند، مطابق آن بر روی، اندیشه، احساس و رفتار انسانها تأثیر می‌گذارد و در موضع گیریها، هنجارها و ارزش‌های مطابقی با مضمون طبقاتی خود، تقاضا می‌یابد.

در هنگام بحث بر روی مفهوم "ایدئولوژی"، نباید از بیان این نکته ساده ولی بعضاً فراموش شده، فروگذار کرد که به عنوان مثال ایدئولوژی بورژوازی، درست است که در خدمت صندوق کارخانه، در خدمت بورس، در خدمت حفظ مناسبات بهره‌کشی سرمایه‌داری، و در خدمت تحمیل توده‌ها بر آ، چاروانه جلوه دادن این مناسبات است، اما در دفتر صاحبان کارخانه و اتاقها، بورس، شکل نمی‌گیرد و پیخته نمی‌شود.

یک روشنفکر خادم بورژوازی، یک ایدئولوگ بورژوازی، لازم نیست خود یک بورژوازی باشد. اما در حوزه اندیشه، همچنانکه مارکس تفهیم کرده است، به همان نتایجی می‌رسد که یک بورژوا در عمل روزمره استثمارگرانه خود پدیدان می‌رسد، آن را در خدمت خود می‌پیچد، در خدمت خود می‌نهد، تقویتش می‌کند و اشاعه‌اش می‌دهد.

در اینجا این که "ایدئولوژی"، به چه شکلهایی تبیین شده و سیستماتیزه می‌شود، خارج از موضوع بحث ماست. اما از یادآوری، نکته بالا، می‌خواهیم به این تذکر مهم برسیم که مکانیسم تبیین و تنظیم ایدئولوژی، مکانیسمی پیچیده و در موردی که مقال زدیم، بسیار فراتر از کاتال ساده‌ای، بین دفتر مدیر کارخانه و اتاق مطالعه یک ایدئولوگ بورژوازی است. همین پیچیدگی است که ایدئولوژی بورژوازی، را در عین تقید بورژوازی آن، به صورت متنوع و متلون درمی‌آورد، به گونه‌ای که بعضاً باز شناخت آن به سادگی میسر نمی‌گردد. همین پیچیدگی است که به طبقه‌ای که مضحل و مرده است اجازه می‌دهد همچنان تأثیرات معین ایدئولوژیک خود را حفظ کند و حتی به یک جنبش فکری و سیاسی، به عنوان تقلاهای واپسین، دامن زند. باز به دلیل همین مکانیسم پیچیده است که در بین قشرهای مختلف

با اکراره و از روی مصلحت. این وصلت، یک فحش، به تمام معنا ردیفانه بود، جلوه دیگری از ردالت موجود هرزه‌ای به نام "سرمایه" بود که بایک عجز و نیز می‌تواند بنای مغازه بگذارد.

ایدئولوژی جمهوری اسلامی، یک ایدئولوژی یکدست نیست، به این دلیل ساده که رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم یکدست نیست. در زیر پوشش ایدئولوژی مذهبی جمهوری اسلامی، لطیفی از نظریات وجود دارد. از یک عدالتخواهی و مساوات طلبی به خود سترون گرفته تا راست‌ترین و منضبط‌ترین و ارتجاعی‌ترین دیدگاهها، از توهمات ساده لوحانه خرده بورژوازی سنتی خانه خراب گرفته تا نقطه نظرهای بغایت ارتجاعی بورژوازی، تجاری، کارفرمایی و ملاک. جوهر آنچه که در عمل به کار برده می‌شود در بالا تشریح شد، اما بیان "ماهیت" که در طی یک روند نمود می‌یابد، به تنهایی برای تشریح همه اجزای واقعیت کفایت نمی‌کند. روند باید به تمامی تشریح شود و در مورد مشخص بحث ما، ایدئولوژی باید در دل یک روند که همانا حرکت "جنبش اسلامی" است، خاصه از آن هنگام که به نیروی مادی بدل شد، بر سکوی قیام نشست و به جایگاه قدرت برتاب شد، مورد توجه و دقت قرار گیرد.

در اینجا برای کالبد شکافی ایدئولوژی حکومتی - که بالطبع بی‌نیاز از دیرینه شناسی آن نیست - نباید به بیان ساده این نکته که چه اقشاری، در حاکمیت سهم دارند، بسنده کرد. این اقشار و به بیان سیاسی جناحهای حکومتی، بطور ساده در کنار هم قرار نگرفته اند و نتیجتاً ایدئولوژی حکومتی، جمع ساده دیدگاههای آنها با در نظر گرفتن مضاربی متناسب با سهم هر جناح و قدرت، نیست. آنها بر روی هم تاثیر می‌گذارند، متحول می‌شوند، همدیگر را متحول می‌کنند، متناسب با اوضاع روز جنبه‌های معینی از خود را به نمایش می‌گذارند، بر مبنای الزامات حکومت بر یک جامعه سرمایه‌داری وابسته بهران زده، در چارچوبهای معینی دگر دسه می‌شوند و علی‌رغم تمام ستیزهای درونی خود برای به دست آوردن نقش فائقه، به این نکته واقفند که در چرخاندن ماشین دولتی حکومتی بی آینده سهمیند، شریک جرم یکدیگر محسوب می‌شوند و عاقبت کمابیش یکسانی دارند.

این ایدئولوژی در آستانه قدرت و تمامدتی پس از تبدیل شدن به ایدئولوژی حکومتی، توده‌های وسیعی را به عنوان نیروی مادی در زیر پا داشت، به آنها فرمان می‌داد، بر آنها بالغصب فرمان می‌راند و حرکتشان را تا جایی که میسر بود در مسیرهای دلخواه خود سوق می‌داد. در این دوره ایدئولوژی، عمدتاً جنبه‌های نامخوان خود با ایدئولوژی بورژوازی، را از زوایای مشخصی به رخ می‌کشید. دیدگاههای بغایت راست و ارتجاعی کمتر بر روی صفحه سیاسی خود را به نمایش می‌گذاشتند.

اما این ایدئولوژی، اکنون، در اساسی‌ترین مسائل، به نقاط اشتراک و انطباق پذیر خود با نظم سرمایه‌داری، تکیه می‌کند و الزامات حکومتی در مسائل بنیادی به آن میدان محدودی برای عوامفریبی مگر در شعار دادنیهای گاه و بیگاه و از روی غرض، می‌دهد. اصل حکومت کردن است، مردم دیگر نیروی،

جنبشی نیستند، اتباع صرف کشوری هستند که حکومتگرانش اینانند.

این ایدئولوژی، ذاتاً سرکوبگر است

همه ایدئولوژی‌ها بجز ایدئولوژی، طبقه کارگر خصلت سرکوبگری، را در ذات خود دارند، چرا که همه ایدئولوژی‌ها بجز مارکسیسم - لنینیسم به لحاظ تاریخی ارتجاعی‌اند و چرا که تنها این طبقه کارگر است که با آزاد کردن خود، بشریت را آزاد می‌سازد. اما منظور ما از گفتن این که ایدئولوژی جمهوری اسلامی ذاتاً سرکوبگر است، کار نیست این حقیقت در یک "این همانی" ساده نیست. در بخش نخست این مقاله، به این موضوع اشاره شد که در دولتهای کلاسیک بورژوازی، دستگاه ایدئولوژیک مگر در شرایط ویژه و دست کم در دورانهای آرامش، متغییر از دستگاه سرکوب است، ظاهراً بی طرف است و سیما، "مهربان" و "معقولی" دارد. اما در دولتی همچون جمهوری اسلامی، دستگاه ایدئولوژیک و سرکوب، آشکارا دست در دست یکدیگر دارند. علت این امر را باید در درجه نخست در ذات این ایدئولوژی، و در درجه دوم در وضعیت کنونی آن که ایدئولوژی دولتی حکومت مشخصی به نام "جمهوری اسلامی ایران" است، جستجو کرد. در واقع برای ریشه یابی این امر باید دو وجه عام و خاص این ایدئولوژی، را مورد نقد و بررسی قرار داد.

وجه عام این ایدئولوژی، مذهب در کلیت و عمومیت آن است. مذهب نمی‌تواند گذشته خویش را نادیده بگیرد. مذهب در قرون متمادی ایدئولوژی، مسلط بود، متناسب با این جایگاه سازمان حامل، حافظه، پیش برنده و اشاعه دهنده خود را که همان روحانیت است، ایجاد نمود و طبیعتاً عناصر آن را با فرهنگ و روحیه‌ای، منطبق بر مقام و کارکرد خویش - سلطه انحصاری ایدئولوژیک - پرورش داد. این باور در آنها در طی یک دوره بسیار طولانی تبدیل به علت وجودی، گشت که "اولی الامر" اند، "خلیفه الله" اند و بر این "گله‌های انسانی" حکم چوپان را دارند. روحانیت "در کلیت خود هیچ گاه نپذیرفته است که دیگر دوران آن سلطه انحصاری، به پایان رسیده و جامعه بشری دیر زمانی است که به مرحله نوینی پا نهاده است.

وجه خاص این ایدئولوژی، تبدیل شدن به ایدئولوژی دولتی در رژیم جمهوری اسلامی است. دست یافتن به این مقام یعنی دست یافتن به یک فرصت طلایی که تصورش برای خود بنیانگذار این رژیم هم مشکل بوده است. آیا می‌توان به آزاد، گفتند "برانگیز میدان داد تا ایدئولوژی‌ها، دیده، خاصه ایدئولوژی دوران مارکسیسم - لنینیسم، نیروی مادی خود را رشد دهند، قاعده را در برابر استغنا بگذارند و این فرصت را بر گیرند؟ آیا دگر اندیشان هم باید امکان سخن گفتن داشته باشند؟ آیا دگر اندیشان هم باید بتوانند تبلیغ و ترویج سازماندهی کنند؟ آیا دگر اندیشان هم مجازند به نقد رژیم و ایدئولوژی حاکم بپردازند و پرده‌های نیرنگ را بالا زنند؟ روحانیت حاکم به این سوالات قاطعانه پاسخ منفی می‌دهد. همینجاست که شمشیر از روپسته شده و تخم سرکوب افشاند می‌شود.

شدت سرکوب را حدت تضادها مشخص می‌کند. جمهوری اسلامی بر روی یک آتش فشان خیمه و خرگاه

زده است. این رژیم با تضادهای بس شدیدی مواجه است و برای حفظ خود است که به ناچار بانک "آشدا" درمی‌افکند. جامعه‌ای که جمهوری اسلامی بر آن حکم می‌راند علی‌رغم تمام عقب ماندگی‌های خود، جامعه‌ای است که دیر زمانی است از خواب قرون وسطایی برخاسته است. این جامعه، جامعه ایست سرمایه‌داری و وابسته بایک طبقه کارگر پر شمار. با ملت‌های مختلف و با فرهنگ و سنتی متنوع. این جامعه، انقلاب عقلیمی را از سر گذارنده است، جامعه ایست ملت‌هپ که هزاران داغ بر پیکر دارد، هزاران آرزو در سر و به لحاظ عینی، چشم انداز روشن ممکن در برابر جغرافیای سیاسی کشور، وابستگی، ساختار اقتصادی، نفوذ دیرین سال غرب در آن و طمع پایدار و سیری ناپذیر امپریالیسم به منابع عظیم طبیعی و انسانی آن، همه به تضادها، کوناگونی دامن می‌زنند که از درون و بیرون این جامعه را زیر فشار می‌گذارند. وانگهی، ما در دوران گذار جهانی به سوسیالیسم قرار داریم، نه عصر بردگی، نه عصر فتودالیسم. روزگار ما روزگار ترقی و تعالی بشریت در عرصه‌های کوناگون فرهنگ و هنر و علم و تکنولوژی است. ما در چنین دورانی به سر می‌بریم و کشورمان نیز مثل همه جوامع بشری، به دور از مقتضیات این عصر و روزگار نیست.

جمهوری اسلامی در چنین دورانی بر چنین جامعه‌ای فرمان می‌راند و برای فرمان راندن، ناگزیر از سرکوب است. در ایدئولوژی حکومت نیز بناگزیر وجه سرکوبگری، و انحصار طلبی محور می‌شود. در و تخته باید به یکدیگر جور در بیایند.

سلطه جویی، جهالت پیراکنی و عوامفریبی

ایدئولوژی جمهوری اسلامی در درجه نخست در اقتدار سنتی و عقب مانده جامعه رسوخ می‌کند. اما این ایدئولوژی، که سده‌ها، متمادی به طور انحصاری فرمانروایی کرده و تمام عناصر و اجزا و ارکان جامعه را به شکل‌های مختلف زیر سیطره خود داشته است، تمام جامعه را می‌خواهد. هژمونیک، خصلت و عادت این ایدئولوژی است و اقتضای طبیعت آن، تکیه بر سنت‌های متحجر و اشاعه جهل و خرافه است. جمهوری اسلامی برای فراگیر کردن ایدئولوژی، خود، تلاش می‌کند تا می‌تواند فرهنگ جامعه را انحطاط بخشد، بر عقب ماندگی‌های قرون وسطایی تکیه کند و مردم را به توده جاهل و خرافه پرستی تبدیل سازد که مشتری کالای قلب و کپک زده آن باشد.

جمهوری اسلامی برای اشاعه ایدئولوژی خود، علاوه بر به عقب راندن جامعه، به عوامفریبی نیز نیاز شدیدی دارد. برای این ایدئولوژی، هر سلطه یافتن، جهالت پیراکنی است، جهالت پیراکنی خود روی دیگر سکه عوامفریبی است. ایدئولوژی جمهوری اسلامی برای عوامفریبی، به لحاظ تجربه تاریخی خود، دارای ثرفیت و قابلیت بسیار بالایی است و مانورهای شکفت انگیز، می‌تواند بدهد. این ایدئولوژی قادر است خود را "سوسیالیستی" نیز جا بزند. مارکس و انگلس، در مانیفست سخن چالپی در مورد مسیحیت دارند. آنها گفته‌اند، "هیچ چیز آسانتر از آن نیست که به عهد مسیحی، آب و رنگ سوسیالیستی زده شود." (مانیفست، ترجمه جدید پورهمزمان به فارسی، ص ۸۴) این سخن در مورد بقیه در صفحه ۸

ایران از جارج جهانیان از اعدام زندانیان سیاسی ایران

بنگیه از صفحه ۱
فیلیپین

شش سازمان، اتحادیه و شورا از نیروهای مترقی فیلیپین در نامه‌های جداگانه‌ای خطاب به سفارت جمهوری اسلامی حمایت خود را از زندانیان سیاسی ایران اعلام نموده خواهان لغو احکام اعدام و قطع شکنجه در زندانهای ایران شدند

شورای صلح و همبستگی فیلیپین در نامه خود تکرانی عمیق خویش را نسبت به سرکشت زندانیان سیاسی ایران ابراز داشته و شکنجه‌های قرون وسطایی و قتل رهبران سازمان و سایر نیروهای انقلابی میهن ما را چنانچه فراموش نشدنی ارزیابی کرده است.

این شورا نوشته است: "... نیروهای صلح دوست فیلیپین تقاضا می‌کنند که زندانیان سیاسی فوراً آزاد شوند... تفتیش‌های قرون وسطایی علیه نیروهای مترقی پایان یابد!"

اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها فیلیپین عضو اتحادیه

کارگران فیلیپین وابسته به فدراسیون جهانی دستگیرهای دسته جمعی، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی در ایران اعتراض کرده و فجایی را که در زندانهای ایران اعمال می‌کردند غیر قابل تحمل دانسته است.

این اتحادیه خواهان توقف بیدرتک اعمال تبهکارانه رژیم جمهوری اسلامی شده است.

*درنامه "شورای دمکراتیک جوانان فیلیپین" چنین آمده است: "شورای دمکراتیک جوانان فیلیپین قویا با موج جدید شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی در ایران مخالفت می‌کند. چنین سرکوبی که توسط رژیم ایران اعمال می‌گردد، برای جهان متمدن غیر قابل قبول است... به شکنجه‌ها پایان دهید! اعدام‌ها را متوقف کنید!"

جنبش برای پیشرفت دانش-دانشجویان ملی‌گرا، انجمن ترقی جوانان فیلیپینی و اتحادیه کارگری کاتیبونال نیز در نامه‌های خود خواست‌ها و اعتراض‌هایی مشابه آن‌ها در فوق آمد، عنوان کرده اند.

جشن مطبوعاتی "اونیتا": جلوه‌ای از همبستگی

جشن‌های "اونیتا" از بعد از پیروزی بر فاشیسم به عنوان یکی از سنت‌های شناخته شده از سوی زحمتکشان ایتالیا در آمده‌اند.

امسال جشن ناسیونال "اونیتا" که در "فرارا" بر پا گردید، بخاطر چهلمین سال پیروزی بر فاشیسم رنگ دیگری داشت. مساحتی بیش از دو هزار متر مربع به کشورهای شوروی، آلمان دمکراتیک، مجارستان بلغارستان، اتیوپی، یونان، الجزایر و... اختصاص یافته بود.

۲/۵ میلیون نفر بازدید کننده در عرض ۱۸ روز برپایی جشن بیشترین امکان را داشتند تا با رهبران حزب کمونیست ایتالیا و سایر کشورها و نیز برخی از دولت‌مردان ایتالیا در جلسات مباحثه شرکت جویند و از روند رویدادها، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور و جهان آگاه شوند.

در این جشن دو غرفه به ایران تعلق داشت که توسط فدائیان و توده‌ایها بر پا شده بود. یک غرفه، غرفه صنایع دستی و دیگری غرفه سیاسی

بود. هزاران بازدید کننده در راستای همبستگی با مردم ایران و آشنایی با رنج و رزم هم میهنان ما از غرفه سیاسی ایران دیدار کردند. امضا برای آزادی زندانیان سیاسی ایران، کمک مالی، بازدید از نمایشگاه عکس، بحث و تبادل نظر پیرامون جریان‌ات ایران، ابراز علاقه نسبت به پیشرفت مناسبات بین نیروهای انقلابی ایران جهت تشکیل جبهه متحد خلق، همه و همه نمایانگر همبستگی با مردم ما و اعتقاد به پیروزی جنبش انقلابی مردم ایران بود.

در پنج روز پایانی جشن، مراسمی مبنی بر ضرورت برقراری صلح از سوی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ایتالیا و حزب کمونیست عراق در ایتالیا برگزار گردید و بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی برای محکوم کردن جنگ ایران و عراق در این مراسم شرکت جستند که در میان آنها رفیق آرماتو و کوسوتا عضو دبیر خانه حزب کمونیست ایتالیا نیز حضور داشت.

از میان نامه‌ها

شهر موشها

"... جمهوری اسلامی همه جا را عزادار ساخته است. قیافه همه مردم گرفته است. از همه سو به آنها فشار می‌آید؛ بیکاری، گزافی، اختناق، جنگ، سرکوب و... مردم برای تمديد اعصاب خود امکانات تفریحی خیلی محدود دارند. یکی از این امکانات سینماست. بعضی فیلمها، به‌خاطر موضوعشان و یا این که می‌توانند تمی باشند برای مسخره کردن علی رژیم، خیلی مورد استقبال مردم فرارمی‌گیرند. فیلم مدرسه موشها از جمله آنها بود.

عصر روز جمعه ۶۴/۶/۸ من به تماشای این فیلم رفتم. حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر در صف سینما بودند. دوبرابر این تعداد خارج از صف ایستاده بودند درحالی که گنجایش سالن حد اکثر ۸۰۰ نفر است. طول صف تهیه بلیط به ۱۰ تا ۱۲ متر می‌رسید. در میان آنها افراد مختلفی به‌چشم می‌خورد؛ مردوزن، پیروجوان و بچه. فیلم مخصوص بچه‌هاست ولی تعداد بزرگسالها خیلی بیشتر از بچه‌ها بود.

در مقابل صف یک ماشین پاسدار

به‌چشم می‌خورد. پاسدارها کوچکترین حرکت مردم را زیر نظر داشتند. آنها به دلایل گوناگون از جمله کوتاه بودن استین بنوز مردها، و کامل نبودن، حجاب زنها، آنان را از داخل صف بیرون می‌کشیدند. همه با نفرت و انزجار به آنها نگاه می‌کردند و درمقابل اقدامات آنها عکس‌العملهایی که حاکی از نفرتشان بودندشان می‌دادند.



با بعضی از افرادی که درکنار من داخل صف بودند، صحبت کردم. مردی سی‌ساله که با همسر و بچه شیر خواره‌اش برای دیدن فیلم آمده بود، گفت: "الان دوران بی تفریحی و عزاداری مردم است. دیدن اینجور فیلمها تنها سرگرمی ما شده است." مردی چهل‌ساله گفت: "صف نماز جمعه از صف این سینما کمتر است." همسرش به او چشم غره رفت ولی او گفت: "ا! بد از حرفم بزنم! مردم عکسهای فیلم

را نگاه می‌کردند و با کوشه و کنایه آنها را به رهبران رژیم تشبیه می‌کردند. مثلاً کسانی در داخل سینما بیشتر بالا گرفت.

در مقابل گیشسه قیمت رسمی بلیط ۹ تومان و قیمت بازار سیاه آن ۴۰ تومان بود!

بهر تقدیر وارد سالن انتظار سینما شدیم. خیلی شلوغ بود. وجود جوانها باخنده‌ها و مثلکها و اداهای معنی‌دارشان فضا را رتین کرده بود. بعد از مدتی رفتیم داخل سینما. موضوع فیلم مبارزه موشها بود با یک کربه‌پلید که بالاخره اتحاد و هوشیاری موشها او را شکست می‌دهد. عاقبت خوش فیلم و صحنه‌ها، کمیک و مهیج آن - که جنبه از طریق تلویزیون هم در ذهن مردم جا افتاده بود - مردم را به نشاء آورد. مردم همراه آهنگ فیلم دست می‌زدند و حتی چند جوان می‌رقصیدند! به‌جای خود خیلی مثلک پرانده میشد که به شادی مردم می‌افزود.

با پایان فیلم دوباره بچهره‌ها درهم رفت. مادری که کنار من بود به دخترش گفت: "از حالا به بعد باید روسریت را منگم بپنندی!" شادی لحظه‌ای پیش خیلی گذرا بود. دم در پاسدارها ایستاده بودند و مردم را زیر نظر داشتند."

جمهوری اسلامی وعرصه...

بنگیه از صفحه ۷
ایدئولوژی جمهوری اسلامی، کاملاً قابل تعمیم است.

بحران زندگی

ایدئولوژی جمهوری اسلامی

ایدئولوژی جمهوری اسلامی هم در وجه عام و هم در وجه خاص خود بحران زده است. در وجه خاص این ایدئولوژی، یعنی مذهب به عنوان ایدئولوژی حکومتی، عوامل بحران را بر دو دسته‌اند: یک دسته از این عوامل به یکدست نبودن حکومت برمی‌گردد که لاجرم تعابیر و تفاسیر مختلفی از مذهب را به دنبال می‌آورد و دسته دیگر ناشی از ناهمخوان بودن ایدئولوژی، با الزامات عصر حاضر و الزامات حکومت بریک جامعه سرمایه داری است. این امر باعث می‌شود که دکلهای ایدئولوژیک، به شدت از درون و بیرون زیر فشار باشند. زیرا این فشارها، "حکومت اسلامی" به دوباره "حکومت" و "اسلام" تقسیم می‌شود و هر پاره دیگری را تحت فشار گذاشته و محدود می‌کند. این امر نمی‌تواند برای وجه "اسلام" به شدت بحران‌زا نباشد.

(ادامه دارد)

نگار

وقتی ملاشاعر می شود

از لطایف روزگار یکی هم اینک حجت الاسلام شاعر شود یا فکر کند که شاعر شده است. آنوقت کمیدی فرح بخشی بوجود می آید که پیرا ختن به آن سبب کشایش خاطر شده و بقول معروف زنگار از دل برمی گیرد. در دنباشی که آخوند فرمانده کل قوا می شود، هنرپیشه تئاتر و سینما می شود، دبیر شاعر شدن کمترین معیبه نباشی است که از او می توان انتظار داشت. از این قماش یکی هم حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین بهجتی (شفق) است که روزنامه جمهوری اسلامی در صفحات صحیفه شماره ۲۹ و تحت عنوان "شاعر اولین شعر انقلاب" بای صحبت (منبر) او نشست است. این صحبت اسلام از این مصاحبه چنان شوق زده شده که قسمت اول صحبتش ۱۸ ستون کامل روزنامه را آکنده است. در اینجا برای خوانندگان که ممکن است فرصت مطالعه روضه ۱۸ ستونی را نداشته باشند ذکر "فرازهایی از این منبر شاید خالی از لطف نباشد. محمد حسین د. چگونگی شاعر شدنش می نویسد: "شروع ضلیگی ما سنه ۱۳۲۶ برده، سنه ۱۳۳۱ هم آدمم قم" بعد چه؟ "علمایی درین مدتی که تازه آمده بودم قم فوت کرده بودند" (شاید هم از مبارکی قدم محمد حسین فوت کرده اند!) محمد حسین برای مردگان مذکور از جمله برای یکی از آنها که دعای باران خوانده بود و باران آمده بود "اشعاری؟! سرود و بعد؛ "اردکان سه عالم بزرگ داشت که یکی اش مدرس خودمان بود و ما گفتیم یک شعری هم برای اینها بنویسیم". محمد حسین "یک شعری هم برای اینها" می گوید که بیتی از آن چنین است:

"پدر و مادر، آدم و جنوا، می نویسند در - دوح را حلقا - حاجی و خاتمی و عبدالرسول، تو بیانشا - گناه ایشان را!" محمد حسین می گوید: " بدون اینکه بفهمم شعر چیست (این ما را سرودم) و این نشانه ای بود از اینکه ذوقی در ما هست". امیدواریم تا اینجا خوانندگان از طریق این "نشانه" به "ذوق" محمد حسین منطقی برده باشند. البته این "ذوق" حالا -حالا نشانه و ادامه دارد، ممکن است آنقدر کش بیاید که کار دست ما دهد و صفحه بند را مجبور به قیچی کردن مطالب کند! "ذوق" را دنبال کنیم: "وقتی آیت الله... فوت کردند، طلبه ها می خواستند یک شعری دم بگیرند و در ماشین معطل بودند (چه معطلی چانتکداؤی!) ما یک شعری درست کردیم و فوراً گفتیم:

پدر ما ز جهان رفت و بگشتیم بیتیم آه و افسوس که جان دور شد از پیکر ما هم چنین در فوت آیت الله صحبت یک مخمس بر سوز و گداز، گفتیم که وقتی شعر خوانده شد، طلب شیرازی از خواندن شعر خودشان خودداری کردند، فکر کردند که شعرشان تحت الشعاع قرار می گیرد. گر چه در اینجا می توان به عنوان استراحت کمی با مجسم کردن "طلب شیرازی در آن لحظات، خندید اما بهتر است ما به "ذوق" محمد حسین بپردازیم که بلای جان خلق الله شده و همانطور که شمس تبریزی و مولوی را سرگردان یکدیگر کرد، رئیس فرهنگ قم را در پی محمد حسین دربدر

می کند. رئیس فرهنگ قم دربدر دنبال ما گشت تا اینکه ما را پیدا کرد. بیکروز ما را به نهار دعوت کرد و تشویق کرد. آیت الله... هم که از دنبارفت شعری گفتیم. در فوت آیت الله... هم قطعات زیادی گفته شد که بعضیها بیشتر رایج شد. از آن پس هر گاه فرصتی میشد (آیت اللهی می مرد) شعر می سرودم تا اینکه یک شعری از یک ناشناس در مذمت حوزه علمیه پخش شد. مضمونی بود که تاها را توسط فردی که قبلا در حوزه بوده و سپس از لنینگی خارج شده گفته شده بود (پس زیاد هم طرف ناشناس نبوده است!). آنوقت گفته بود که دنیا اتم و فلان ساخته و... این حرفها، ما هم یک مخمس در جواب او گفتیم که از شهرت بیشتری برخوردار شد.

بشکر ز اتم میچ جز آزار نیاید
چیز کشتن از این آلت خونبار نیاید
ای جاهل بی عقل تر اعار نیاید
کز آلت قتاله کنی فنر چه بسیار!

بله - محمد حسین، که در کشتی شاعرانه، "طلب شیرازی"، "مذمت گوی حوزه" را ضربه فنی کرده است و خود را از پیروان "سقا و سعیدی و امام خمینی" می داند، می نویسد: "گر چه از مسایل دقیق و فنی شعر خیر نداشتیم ولی روی ذوق زیبایی خودمان می گفتیم... آنوقتیا هنوز شقی تخلف نمی کردم، بعد اشق شد!" بله، محمد حسین اینطور، شقی شد! آفرین به این شقی، البته خیال تخفید محمد حسین اینهمه ذوق و فن و تخصص را از مدخر استادی کسب کرده است، خیرا! زیر نظر هیچ استادی عروض، نخوانده ام البته اشعارم در اثر مکالمه کم کم تکمیل شده و به مر احاطی رسیده است. گر چه ایشان مشخص نکرده اند که این "مکالمه" تلفظی بوده یا حضوری، اما نتیجه عائی بوده و شعرا و حتی خود او را به "مر احلی" رسانده که هم اینک از مقامات سپاه پاسداران است.

مطالعه بیرونده، "محمد حسین هم بخوبی نشان می دهد که آدم " مبارزی بوده"، مدتی هم ما را در ساواک قم تکمید داشتند و بعد آیت الله حائری، استناره کرده بودند که تلفن کنید و خوب آمده بود، تلفن کردند و آنها هم ما را آزاد کردند. "حالا اندک اندک نوع " مکالمه" دارد روشن می شود!

محمد حسین در باره شعر بویژه شعر نوحم دارای تئوریهایست که پس از سالها سرگردانی اهل هنر در مورد تعریف شعر نو، بالاخره قال قاضیه را با یک تعریف آخوندی، جامع و مانع کنده است: "یک افکار آشفته ای در ذهن شاعر است... این افکار دامنه دار میهم و گنگی که به هیچ زبانی در نمی آید به زبان شعر نور می آید و برای بازگو کردن تنیدت آشفته اینجوری شعر نو خوب است به خصوص اینکه اگر این نکاتی که بنده عرض می کنم رعایت بشود". نکات محمد حسین هم اینهاست " ابهام لذیذ!" و "سبک ملیح!" بنا بر این اکثر "افکار آشفته" و "تنهیدت آشفته" با "ابهام لذیذ" و "چرب و سبک ملیح" و می خوش در هم آمیزد غذائی بوجود می آید که محمد حسین در باره آن می گوید " شعر نو را درین مایه می پسندم! نمونه هم بدست می دهد: " فرض کنیم اگر بخواهیم شعر مثنوی را به سبک شعر نو در بیاریم به صورت این مصرع های کوتاه در می آید

دید موسی
دید موسی یک شیانی
دید موسی یک شیانی راه راه
دید موسی یک شیانی راه راه و گفت او
دید موسی یک شیانی راه راه و گفت او ای وای، من

بله آن "ذوق خمینی" بارعایت این " نکات" کار را به اینجا می کشاند. البته " مصاحبه" محمد حسین ادامه دارد اما "مکالمه" تا همین حد کافی است!

تشکیلات دادستانی انقلاب تهران تغییر کرد

بقیه از صفحه ۴
موسوی خوینی ها، دادستان کل، ملی سخنانی به تغییرات اخیر این دادستانی اشاره کرد. وی اعلام داشت که "دادسرای انقلاب" به سه بخش مجزا از هم تقسیم شده که اهداف و دایره عملکرد هر یک از این بخشها مشخص می باشد. وی اظهار داشت که دادسرای انقلاب به سه بخش زیر تقسیم شده اند: بخش سیاسی و سرکوب گروههای سیاسی، بخش تخلفات اقتصادی، بخش مواد مخدر و افزود که: "در بخش اقتصادی، دادسرای

امور صنعتی و دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی و آن قسمت از دادسرا که در چهار راه قدوسی می باشد، در یکدیگر ادغام شده و به صورت یک دادسرا درآمده است.

در زمینه تفکیک وظائف، همین چندی پیش حجت الاسلام سالک سرپرست کمیته ها، نیز ملی مصاحبه ای مطبوعاتی، رسا اعلام کرده بود که وظایف کمیته ها و شهرداری تفکیک شده و وظیفه بی گرد و سرکوب نیروهای سیاسی برعهده کمیته ها خواهد بود.

تحصن مردم "شال" قزوین

اخیرا گروهی از مردم شال، قسمت آباد و رستم

آباد قزوین در مقابل درب غربی نخست وزیر، متعصن شده و خواهان بر کناری مسئول کل کمیته های انقلاب اسلامی قزوین و تحقق دیگر خواست های خود شدند. در جمع متعصمین که به مدت هفت روز به تعصن خود ادامه دادند اعضای خانواده شهدا نیز حضور داشتند.

در جریان این تعصن، از طرف امام جمعه تاکستان اعلامیه ای، مبنی بر "غیر شرعی" و "حرام" بودن تعصن و اعتصاب صادر شد. در اعلامیه صادره از طرف امام جمعه از جمعیت متعصن در مقابل درب نخست وزیر در خواست شده بود که از "تجمع در مقابل نخست وزیر و غیره دست برداشته و هر چه سریعتر به محل خود مراجعت کنند".

سودان: آغاز مرحله‌ای دشوار

حقوقی و غیر آن، آغاز کردید و سازمان امنیت، شش آهنگین و مهمترین ابزار سرکوب حکومت برچیده شد. برخی سران سازمان امنیت و دیگر متنفذین رژیم نمیری دستگیر شدند. توده‌ها بار دیگر امکان یافتند تا از حقوق سیاسی خود، اعم از آزادی بیان و تجمع، حق تشکیل اتحادیه‌ها و سایر سازمان‌ها و نیز احزاب سیاسی، بهره‌جویند. در عرصه سیاست خارجی نیز دکتر کونیهایا، هر چند جزئی، انبساط گرفت.

مبارزه شدید، نا درستی کامل ثمرات محافل خرده بورژوازی را نشان داد. این محافل نسبت به اثر پانشی اتکا به اقدامات توده‌ها، ابراز تردید کرده و می‌کوشیدند رشد جنبش توده‌ای را تا به حد امکان و تصورات ذهنی خود سازند، امری که در نهایت به رواج نومیید و واداشتن توده‌ها به انتقال کشیدن غیر فعال منبر می‌شد. پیروزی، شرایط عینی مناسبی برای جنبش نیروهای اجتماعی گسترده‌تری، به سوی چشم انداز انقلاب منی - متراتیک و حمایت از برنامه آن، فراهم آورد. جنبش توده‌ای، اهداف مترقی نوینی در برابر خود قرار داد. اینک یک قدم هم نباید عقب نشست.

روند قیام

در این میان نمی‌توان ادعا کرد اهداف قیام به تمامی تحقق یافته‌اند. بسیاری نهادها و موسسات رژیم نمیری فقط شده‌اند، دستگاه دولتی تصفیه و باز سازی نشده است. قوانین سرکوبگرانه‌ای که در زمان نمیری برقرار شد، لغو نگردیده و قراردادهایی که مغایر استقلال و حاکمیت ملی ماست، به قوت خود باقی است. بسیاری از مسائل مهم دیگر نیز هنوز حل نشده‌اند.

ریشه این امر را باید در ضعف‌های جنبش توده‌ای جستجو کرد. در این رابطه، باید قبل از هر چیز از عدم یکپارچگی در صفوف اپوزیسیون نام برد که موفق نشد پیش از اقدام توده‌ها مشی خود را هماهنگ ساخته و روی یک کارپایه مشترک توافق کند. احزاب دست راستی (حزب امت، اتحاد سوسیالیست سودان و دیگران) علی‌رغم آنکه ما پیگیرانه بدنبال تشکیل جبهه وسیع اپوزیسیون و سرنگونی رژیم از طریق اقدامات توده‌ای بودیم، تن به امضای سند

رسالت رهبری واقعی و فعال اپوزیسیون را برعهده دارند، چرا که از نظر آنها، احزاب سنتی، از جمله حزب کمونیست، از روند جنبش توده‌ای عقب مانده‌اند.

در چنین شرایطی ارتش وارد صحنه شد. فرماندهی نیروهای مسلح، قدرت را در کشور به دست گرفت و یک شورای موقت نظامی تشکیل شد. ترکیب این شورا ناهمگون است و در آن عناصری با گرایشها و عقاید سیاسی گوناگون (عدداً محافظه کار راست) عضویت دارند. اما آن را بطور کلی ثمره مبارزه و فعل و انفعال عوامل گوناگون در داخل و خارج ارتش می‌دانیم.

ساده‌ترین کار این می‌بود که از مبارزه کناره می‌گرفتیم، منزه شنبی پیشه می‌کردیم و اعلام می‌نمودیم فرماندهی ارتش دست به "شورش درباری" زده و با موافقت ایالات متحده، عربستان سعودی و مصر رژیم نمیری را قربانی کرده‌اند تا از روی کار آمدن نیروهای رادیکال مردمی جلوگیری کنند. این امر بدان معنی خواهد بود که قیام را شکست خورده قنماد کنیم. آنگاه می‌توان اظهار عجبانیت و نارضایتی کرد و به ایفای نقش ناشر غیر فعال رویدادها اکتفا نمود.

اما چنین رفتاری، بسیار سطحی است و واقعیات اوضاع را در نظر نمی‌گیرد. رویدادهای ششم آوریل که به تشکیل یک دولت نظامی انجامید، یک اقدام از پیش برنامه ریزی شده و حساب شده نبود و نمی‌توان آن را با سرنگونی ژنرال عبود در سال ۱۹۵۸ و یا کودتای ماه مه ۱۹۶۹ یکی گرفت. در آن زمان، مردم آماده قیام برای سرنگونی رژیم نبودند و نظامیان بنا به ابتکار خود عمل کردند. این بار، توده‌ها قیام کردند و فرماندهی کل نیروهای مسلح می‌خواست نه بسود نمیری و نه علیه او وارد عمل بشود. این رده‌های پایین ارتش، یعنی سربازان، درجه داران و افسران جزو بودند که فرماندهی را وادار به اقدام کردند.

این رده‌های پایین، در اقدام توده‌ها نقش مهم، اگر چه غیر تعیین کننده‌ای، ایفا کردند. آنها همانند سایر توده‌های مردم شورش نکردند، اما واحدهای نظامی مامور حفاظت از نظام استراتژیک مهم را وادار نمودند به پادگانها برگردند، در برابر برقراری وضع فوق العاده که در آن ارتش می‌بایست وظایف پلیس را برعهده می‌گرفت مقاومت نمودند، و قلعانه اقدامات خشونت آمیز

سازمان امنیت علیه تظاهر کنندگان را مخنوم کردند. و بالاخره خواست اساسی برکناری نمیری مطرح گشت. فرماندهی نیروهای مسلح خود را در برابر این انتخاب دید که با قدرت را به دست گیرد و با همراه با دیکتاتور صحنه را ترک گوید.

اینکه رده‌ها، پایین ارتش به فعالیت‌های نامبرده اکتفا کردند، دلایل مختلفی داشت. اولاً ناهماهنگی در صفوف اپوزیسیون و نبود یک پلتفرم مشترک تاثیر خود را بر روی نظامیان هم گذاشت. ثانیاً پیژند مستمر و فعالیت مامورین بی‌شمار سازمان امنیت و اداره اطلاعات ارتش، نیروهای متشکل و از لحاظ سیاسی فعال درون ارتش را تضعیف کرده بود. ثالثاً نظامیان دمکرات و میهن پرست عدداً دچار این تصور یکجانبه بودند که تنها و تنها وظیفه دارند کودتایی تدارک دیده و انجام دهند.

آنها به موفقیت یک قیام توده‌ای باور نداشتند، و از لحاظ روانی آماده جستجوی وسایل و راههای برای پشتیبانی از آن نبودند. مسئله کاملاً بگونه‌ای دیگر مطرح می‌شد، نظامیان آماده‌اند قدرت را در دست گیرند، به شرنلی که توده‌ها از آنها حمایت کنند. یاب به عبارت دیگر، اول سرنگونی، بعد اقدام توده‌ها. طرز تفکر کودتایی باعث شد یک موقعیت مغتنم از دست برود. همتامیکه در خارطوم صدها هزار نفر به خیابانها آمدند، نظامیان می‌بایستی به آنها ملحق می‌شدند، دست به دست توده‌ها می‌دادند و از این طریق تضمین می‌کردند که قدرت بطور بلافصل در دست نمایندگان جنبش توده‌ای قرار گیرد.

اگر به نقاط ضعف و وجوه منفی می‌پردازیم از این زاویه است که اینها چه تاثیری بر روند آینده مبارزه خواهد داشت و کمونیستها بطور مشخص علیه آن چه می‌توانند انجام دهند. تحلیل اشتباهات نباید به غیبه خوردن بی‌شمر و توضیح واقعیات بطور منقطع، آنگونه که مختص طرز تفکر خرده بورژوازی است، منجر شود.

علی‌رغم همه نقایض آن، قیام ماه مارس گام بسیار مهمی در روند انقلابی سودان است. این قیام از حیث وسعت و نیرومندی از انقلاب اکتبر ۱۹۶۴ نیز فراتر رفت. کم بها دادن به اهمیت قیام مارس به معنای به خطر افکندن دستاوردها و وابسته کردن جنبش به حکام نظامی و آندسته از نیروهای داخلی و خارجی که با آزادی، دمکراسی و حاکمیت منی مخالفت می‌ورزند، خواهد بود.

(ادامه دارد)

طرح برنامه نوین حزب

کمونیست اتحاد شوروی تصویب شد

سه شنبه هفته گذشته، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تشکیل جلسه داد. به گزارش خبرگزاری تاس، در این نشست، طرح برنامه نوین حزب کمونیست اتحاد شوروی، تغییراتی در اسامی حزب و سندی پیرامون جهات اصلی رشد اقتصاد، و اجتماعی اتحاد شوروی برای سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ و نیز برای دوره تا سال ۲۰۰۰، مورد بحث قرار گرفت. در این باره، میخائیل گورباچف دبیر کل حزب سخنانی ایراد نمود. کمیته مرکزی طرحهای مزبور را تصویب کرد.

میخائیل گورباچف طی سخنان خود اظهار داشت در طرح برنامه نوین حزب، گرایشهای اصلی روند اوضاع جهان مد نظر قرار گرفته است. از آن جمله اند ادامه تقویت مواضع سوسیالیسم واقعا موجود و افزایش اعتبار و نفوذ آن، تحکیم مواضع متحد کشورهای سوسیالیستی، جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری، دهها کشور نو استقلال و جنبشهای وسیع علیه جنگ و برای دموکراسی. گورباچف افزود همکاری این نیروها، تعیین کننده سمت عمومی تحولات دوران ماست.

رهبر حزب کمونیست شوروی گفت: " همه می بینیم که در سیاست بزرگترین قدرتهای سرمایه داری، گرایش بسیار خطرناکی بروز کرده است. گذشت زمان و فعالیت های عملی امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا، ماهیت این سیاست را هر چه آشکارتر می سازد. انتقام جویی تلقیاتی از طریق نیل به برتری نظامی بر سوسیالیسم، به انضمام جنبشهای رهایی بخش، و پاپر چائنگه داشتن تنش ها، بین المللی در سطحی که تولید سلاحهای جدید و جدید تر شایع و جمعی و نظامی کردن کیهان را ترجیح میدهد. لجام زدن به نیروهای میلیتاریسم و جنگ و تضمین صلحی پایدار و امنیت قابل اعتماد، مسئله اصلی معاصر است."

میخائیل گورباچف تاکید کرد: " ما به روشنی از اهداف سیاست بین المللی خود و از راههای دستیابی بدان سخن می گوئیم. بنابراین، سیاست ما کاملا قابل اعتماد و عاری از هر گونه معما و ناروشنی است. این، سیاستی مبتنی بر اندیشه لنینی مزیستی سلامت آمیز دو نظام متضاد است. ما بر آنیم که برای دولتها و احزابی که به مسئولیت خود در قبال سرنوشت جهان در قرن پر تناقض ما آگاه باشند، تنها یک سیاست ثابت و قابل اعتماد، شایسته است."

اعلام وضع فوق العاده در نیکاراگوئه

سه شنبه گذشته، دولت نیکاراگوئه به مدت یک سال "وضع فوق العاده" اعلام نمود. دانیل اورتگا رئیس جمهوری اظهار داشت علت این اقدام، ادامه تجاوز ایالات متحده آمریکا و تلاشهای سازمان سیا برای استفاده از گروههای ضد انقلابی به منظور بی ثبات کردن دولت مردمی نیکاراگوئه است. اورتگا گفت ایالات متحده همه تلاشها برای حل اختلافات را نادیده می گیرد. وی افزود: "علیه خلق ما، کل زرادخانه تروویستی به کار گرفته شده است. آمریکا مزدوران را تامین مالی،

سازماندهی و هدایت کرده، بانبر وهای خود همپنان در جوار مرزهای زمینی و دریایی ما مانور انجام می دهد و پیوسته ما را تهدید به مداخله نظامی مستقیم می کند." اورتگا خاطر نشان ساخت با توجه به کمک بزرگ اخیر آمریکا به ضد انقلابیون، دولت نیکاراگوئه به منظور حفظ اقتصاد مورد تهدید کشور و جلوگیری از ادامه ثبات زدائی در نیکاراگوئه، وض فوق العاده اعلام نموده است. رهبر نیکاراگوئه تاکید کرد: " نمی توان دست به سینه نشست و شاهد توطئه چینی ضد انقلاب داخلی بود."

اعداد جنایتکارانه "پنجامین مالویز"

در آفریقای جنوبی

رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی جمعه گذشته مرتکب جنایت جدیدی شد. "مالسلا پنجامین مالویز" شاعر میهن پرست سیاحتیست، به دستور سران رژیم آپارتاید به دار آویخته شد. نزدیک به دو ماه قبل، اعتراض گسترده افکار عمومی جهان، رژیم پرتوریا را واداشته بود اعدام "مالویز" را که قرار بود ۲۱ ماه اوت انجام شود، به تعویق اندازد. مالویز ۲۰ سال داشت و عضو کنگره ملی آفریقا بود. اعدام مالویز به اتهام ساختگی قتل یک مامور پلیس انجام گرفت.



مادر "پنجامین مالویز" پس از آخرین ملاقات با فرزندش در باخ سئوالی درباره روحیه خود گفت: "من نیرومند زیرا او نیرومند است."

سه شنبه گذشته، بار دیگر طی درگیریهای شدید میان مردم و پلیس رژیم آپارتاید، چهار نفر به دست نژاد پرستان به قتل رسیدند. از سوی دبیر، وزارت دفاع آنکولا طی اطلاعیه ای اعلام کرد سه شنبه گذشته استان "کواندو-کوبانگو" واقع در جنوب شرقی این کشور بار دیگر مورد حمله ده هواپیمای آفریقای جنوبی قرار گرفت.

شیلی: راهپیمایی به سوی زندان پینوشه

شیلی در هفته گذشته بار دیگر شاهد تظاهرات مردم این کشور علیه دیکتاتوری، فاشیستی پینوشه بود. گروهی از مردم سانتیاگو پایتخت این کشور، با شرکت در یک راهپیمایی به سوی زندان سانتیاگو و ساختمان دادگستری، خواهان آزادی رهبران زندانی اپوزیسیون شدند. این راهپیمایی، به دعوت سازمان سندیکایی "فرماندهی ملی زمینکشان" (س. ان. ت.) و اتحادیه دانشجویان انجام گرفت. هر سه

ائتلاف حزبی عمده اپوزیسیون شیلی، که عبارتند از "اتحاد دموکراتیک" (شامل حزب دمکرات مسیحی)، "جنبش دموکراتیک مردمی" (شامل حزب کمونیست و سازمان "میر") و "بنوک سوسیالیستی"، از دخرت به راهپیمایی اعلام پشتیبانی کرده بودند. پخس رژیم پینوشه برای مقابله با تظاهرات، به تازگی آب و ماشینهای آبپاش متوسل شد. در تظاهرات سانتیاگو و در سایر شهرها، سه شنبه گذشته ۲۱۰۰ نفر زخمی و ۲۲۰ تن بازداشت گردیدند.

راهزنی هوایی دولت آمریکا

برای نخستین بار در تاریخ هوایی، چندین ماه یک کشور هزاران کیلومتر دور از قاره و دولت خود، یک هواپیمای غیر نظامی متعلق به کشوری دیگر را وادار به تغییر مسیر و فرود آمدن کردند. این عمل راهزانه، به دستور دولت ریتان انجام گرفت که سالهاست میاموی کوششهای درباره "ضرورت مبارزه با تروریسم" به راه انداخته است. و اشتنا که همین چند ماه پیش، فرودگاه بیروت را به بهانه "عدم وجود امنیت" تحریم کرد و دولت یونان را تهدت پوشش "نایبگیری در مبارزه با هواپیمایان" مورد حمله قرار داد، علنا مرتکب هواپیمای ربایی شد. هواپیمایی که نیروی هوایی آمریکایی آن را بر فراز دریای مدیترانه بود، متعلق به شرکت هواپیمایی مصر و حامل چهار رهبایند کشتی ایتالیایی "آلیکته لائورو" و شاری از مقامات سازمان آزادیبخش فلسطین بود. این هواپیمای در پایانه آمریکایی "سیکونوا" واقع در جزیره سسیل به زمین نشست.

ماجرا، ره بودن کشتی ایتالیایی، با عمل تروریستی آمریکا پایان نیافت. دولت آمریکا از ایتالیا که راهزنی هوایی و اشتنا را محکوم کرد، خواست تا رهبایندگان کشتی ایتالیایی و نیز "ابوالعباس رهبر" جنبه آزادیبخش فلسطین" را که ایالات متحده مدعی است ره بودن کشتی را تراجی کرده - تحویل دهد.

این تقاضا، در چاقوب تلاشهای آمریکا و اسرائیل برای دامن زدن به احساسات شونیستی ضد عربی و نیز اشعار اذمان از جنایات بی سابقه ای که صهیونیستها با همپاران مقر "ساف" در تونس مرتکب شدند، مطرح گردید. دولت ایتالیا تقاضای ایالات متحده برای تحویل چهار رهباینده را رد کرد و به ابوالعباس اجازه خروج از این کشور را داد. این اقدام ایتالیا مورد انتقاد و حمله شدید آمریکا قرار گرفت. "حزب جمهوریخواه" ایتالیانیز ظاهر به نشانه اعتراض علیه کر اکی نخست وزیر، از ائتلاف پنج حزبی رم کناره گرفت و باعث سقوط دولت ایتالیا شد.

انجام این هواپیمای ربایی به دستور دولت ریگان، حتی حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر و دوست آمریکا را واداشت تا از این عمل انتقاد کند. وی گفت: "من تصور نمی کردم یک کشور بدین گونه مرتکب راهزنی شود." این در حالی است که در مصر، مخالفان مبارک، بعضا دولت وی را میهم به همکاری با آمریکا در ماجرای هواپیمای ربایی می کنند. هزاران نفر که تعداد زیادی از آنان را دانشجویان دانشتاه قاهره تشکیل می دادند، علیه آمریکا، اسرائیل و مبارک دست به تظاهرات زدند.

مردم چه می‌کشند

● کیهان - ۲۹ مرداد:

شب بود و بوی تند شرجی سنت آزار دهنده. نفس بریده می‌شد. بندر لنگه در چنین حال و هوایی غنوده بود آسمان جویانگاه هولکها، درختان و موج بود که نگاه نوازش می‌یافت. مردم در آرامش رفته بودند تا رنج و سختی کار در هوای داغ و خفقان آور روزانه را از تن بیرون کنند. بیرون که نه، نوعی تلقین به راحتی - که غرض یک هنیکوپتر حریر سکوت شبانه بندر را لرزاند. پلتهایی برید و چشمانی نیم خواب و برشگر در سینه آسمان شب دوید...؟! هنی کوپتر دایره وار آسمان را دور زد و سرانجام در محوله بیمارستان دکتر پهبستی فرود آمد. صدای موتور هلی کوپتر از گوش شهر افتاد. پنجره‌های برشی از خانه‌ها هم بسته شد. لحظاتی بعد تنی چند در پای پنکان حاضر شدند. در هلی کوپتر کشوده شد. وزیر بهداری بود که پیاده شد و چند نفر همراهش. وزیر و همسرانش وارد بیمارستان شدند. مختصر باز دیدی و... هنوز موتور هلی کوپتر در داغی پرواز کداخته بود که از زمین کنده شد و باز غرش، فضای شرجی بندر را شکافت و دینر بار سکوت شکسته شد. وزیر بهداری و همراهم را بازمی‌گرداند...

مردم بندر لنگه صبح که از خواب بیدار شدند، غیروود و خروچ شبانه وزیر بهداری به شهرشان را شنیدند.

آری، وزیر بهداری در خاموشی آمد و در خاموشی شبانه هم رفت بی آنکه اهالی وجود ایشان را ببینند. مردم حرفهایشان در انبار کهنی تلیمار ماند. حرفهایی از این بندر محروم داشتند که دارند - از اینکه نیاز به بیمارستان مرتب و مجهز دارند و... اما فاصله ای بین مردم با وزیر بهداری کشور از زمین تا آسمان بود.

بندر لنگه - خبرتار کیهان
● اطلاعات ۱۷ مهر ماه:
بعد از ظهر بود و عابر، مانند هزاران کارمند دیگر، راه خانه را در

پیش گرفته بود و در خاطر سایه وار روزی که از سرکلر انده بود می‌گفت. صدایی از دور بلند شد و عابر بی اختیار، دست آن را در پیش گرفت.

مردی بود و استغاثه ای و چهارپا پنج مرد زمخت و قلدر که به زور، بسته ای را از او جدا می‌کردند. مرد، حدود ۴۵، ۵۰ سال سن داشت، ولی مثل بچه‌ها می‌گریست، رنگ به رخسار نداشت... دستانش می‌لرزید.

و بعد زور آنها که بیشتر بودند، بگریید. آن طرف تر دو وانت آبی و زرد، توقف کرده بودند و روه، آنها نام "شهرداری تهران - منطقه ۱۲" به خطی خوش، نوشته شده بود.

همه بار مرد، حدود ۶۰ یا ۷۰ جفت جوراب بود.

جورابهایی که فروش آنها شاید، تنها هم درآمد مرد بود. مرد به ست وانت‌ها دوید و بعد دستی محکم به سینه اش خورد که "بیاحسن آباد". جمعیت ازدحام کرده بودند و انبوه "عابران" نظاره کننده صحنه ای تلخ بودند.

مرد، با نگاه، وانت‌ها را که دور می‌شدند، نظاره کرد و بعد، چهره مجاله شده اش را به سوی "عابر" برگرداند.

عابر، در سکوت، بدون آن که کلامی بگوید، از حال مرد جوپا شد. مرد، آرام بغضش را فرو داد و بعد...

- "پاپا، کجا برم؟ می‌کن برو دهات کار کن! کدوم دهات؟ مکه زمین دارم که برم؟ با کدوم پول؟ صبح تا شب دلم به این خوش است که ۴۰، ۲۰ تا جوراب می‌فروشم و خرج زن و بچه را در می‌آرم، به همین هم راضی نیستن! آخه برم سرم رو بذارم و بمیرم...؟!"

عابر، لحظه ای مرد را نگریست و بعد به حرف آمد:
- "برو حسن آباد، تا دپیر نشده، شاید..."

عابر، منتظر جواب مرد نشد، می‌دانست بیهوده، مرد را امیدوار کرده است ●

دوبله به سبک جمهوری اسلامی

دکتر سعی می‌کنم با تحقیق، تحریف‌های فیلساز را در آورم. الان فیلمی داریم به اسم مختار سردار سپاه ارمنستان و ماجرای اولین قتل عام ارمنه توسط عثمانیان است. فیلم را روس‌ها ساخته‌اند. ماطی مطالعاتی متوجه شدیم که این‌ها تاریخ را به کلی تحریف کرده‌اند. من تاریخ ارمنستان را مطالعه کردم و با بسیاری از کسانی که در این تاریخ مطالعه داشته‌اند صحبت کردم و همه را روی کاغذ آوردم. سازمان فیلم را از نو بهم ریختم. قیچی کردم. گفتارش را بر اساس کتاب تاریخ ارمنستان نوشتم. مونتاز کردم و فیلمی شد که بر اساس تحقیق شکل گرفت. وقتی ارمنه ایران در استودیو فیلم رادیدند، آن را تسین کردند (۱) از این تحریف‌ها در فیلم‌های خارجی زیاد است... فیلم شمشیر مانتوس را در نظر بگیرید. من ترجمه اصلی فیلم را می‌آورم. بادوبله اش مقایسه کنید. ببینید دیالوگ این فیلم چیه هست و در دوبله چی درآمده. من مقداری از این فیلم را جمع و جور کردم. هم مسیبه‌یت را نفی کرده بود و هم بت پرستی را و در کل یک فیلم ضد مذهبی بود. من این‌ها را حذف کردم و جلوی زرنگ بازی و فرصت طلبی فیلساز را گرفتم. بیش از پنج پرده از فیلم را حذف کردم... "زمی و قاحت و بی‌شرمی!"

آیا تاکنون پیش آمده است هم اصل یک فیلم سینمایی را ببینید و هم در بله شده آن را بر پرده سینماهای جمهوری اسلامی؟ اکثر این "سعادت" نصیبتان نشده است، اشکالی ندارد. شماره ۲۶ مجله "فیلم" با شخصی به نام "محمود قنبری" مدیر پررونق‌ترین استودیو دوبر - لائور

ایران، مساحبه ای ترتیب داده که در آن خیلی صریح نحوه اعمال یک سانسور و قیحانه در دوبرلاژ فیلم‌های خارجی تشریح شده است. چندتکه از سخنان "برادر مسعود قنبری" دوبرلور صد در صد مکتبی، مشهور به "کارتر دران پشت صحنه" را در زیر می‌خوانیم:

"من وجدانا در مورد فیلم‌هایی که به نوعی دست‌نوش تغییر شده ناراحت نیستم. چون به تصدیق خیلی‌ها بهتر شده. یک سری مسایلی در بعضی از فیلم‌های خارجی هست که شما اگر عینا فیلم را دوبله کنید، در شورا رد می‌شود. مثلا من چندی پیش فیلمی را به نام مردم در باطلاق دوبله کردم که زهر بنای مارکسیستی داشت. چنین فیلمی را نمی‌شود مستقیما دوبله کرد و به ارشاد برد. من سعی کردم زهر این فیلم را چه از نظر قصه و چه تصویر بنیرم ولی بعضی از فیلم‌ها را نمی‌شود کاریش کرد. من در مورد بعضی از فیلم‌های تاریخی،

برای اشتراک نشریات "کار" و "اکتریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگرتقاط	اروپا	بهای اشتراک نشریه "کار":	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۱۳ مارك	۱۱ مارك	<input type="checkbox"/> يك ساله	
۲۴ "	۲۱ "		
دیگرتقاط	اروپا	بهای اشتراک نشریه "اکتریت":	<input type="checkbox"/> سه ماهه
۳۰ مارك	۲۷ مارك	<input type="checkbox"/> شش ماهه	
۵۸ "	۵۲ "	<input type="checkbox"/> يك ساله	
۱۱۵ "	۱۰۲ "		

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید):

حساب بانکی:
AKSARIYAT
NO. 79
MONDAY OCT 21 -85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!